



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۳۴
سه شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۵۹ هجری قمری، ۱۵ ریل

رهنمود بزرگ امام خمینی:

وحدت و تفاهم برای خدمت به مردم

در جمع هیئت دولت، کلام ملامت‌بار امام خمینی، که ازدلی بردرد برمیخاست، پیکر گران هشدار به مسئولان بود که با غرقه شدن در مشاجرات زبانی و قلمی، قدرت خواهی‌ها و انحصارطلبی‌ها و تکریب‌ها، مردم محرومی را که پایه‌های انقلاب را در دریای خون شهیدان خود برافراشتند، از یاد نبرند و با جبهه‌گشائی در برابر یکدیگر و افروختن نافرمانی جنگ و جدل، مصالح انقلاب و توده مستضعف و محروم را بفراموشی نسپارند.

امام خمینی، که برک‌برک کارنامه بیست‌ماهه انقلاب و تملل در جمع هیئت دولت، کلام ملامت‌بار امام خمینی، که ازدلی بردرد برمیخاست، پیکر گران هشدار به مسئولان بود که با غرقه شدن در مشاجرات زبانی و قلمی، قدرت خواهی‌ها و انحصارطلبی‌ها و تکریب‌ها، مردم محرومی را که پایه‌های انقلاب را در دریای خون شهیدان خود برافراشتند، از یاد نبرند و با جبهه‌گشائی در برابر یکدیگر و افروختن نافرمانی جنگ و جدل، مصالح انقلاب و توده مستضعف و محروم را بفراموشی نسپارند.

امام خمینی، که برک‌برک کارنامه بیست‌ماهه انقلاب و تملل در جمع هیئت دولت، کلام ملامت‌بار امام خمینی، که ازدلی بردرد برمیخاست، پیکر گران هشدار به مسئولان بود که با غرقه شدن در مشاجرات زبانی و قلمی، قدرت خواهی‌ها و انحصارطلبی‌ها و تکریب‌ها، مردم محرومی را که پایه‌های انقلاب را در دریای خون شهیدان خود برافراشتند، از یاد نبرند و با جبهه‌گشائی در برابر یکدیگر و افروختن نافرمانی جنگ و جدل، مصالح انقلاب و توده مستضعف و محروم را بفراموشی نسپارند.

نشدار بکارگران خوزستان!

کارگران خوزستان و در شاپش آنها پروتاریای نفت، هنگام طرد رژیم دست‌نشانده سابق و چاکنون، در دوران سازندگی در جمهوری ملامی، در صف مقدم نیروهای لایب‌خدمت‌امپریالیستی و خلقی قرار می‌دهند. علم تلخ تسلط بر بکارگزاران بین‌المللی نفت و رژیم دست‌نشانده پلیسی آن را و لتاریای نفت ایران بیش از تاد سال چشیده است. بهین بت تصادفی نیست که امروز رگران و کارمندان ایرانی نفت راز همه انتشار و طبقات مردم جود جمهوری اسلامی و نیروزی لایب‌خدمت‌امپریالیستی و خلقی ساس فخر و سربلندی میکنند نپای جان در دفاع از دستاورده انقلاب ایستاده‌اند.

در این که پروتاریای امتحان و تجربه‌دیده نفت را نمیتوان دفاع جانپازانه از انقلاب روی دان ساخت، جای کمترین نی باقی نیست. با اینحال درین جای تردید نیست که دشمن ب بیش از هر جبهه دیگری ب میکند که از این موضع لایب ایران بتازد و نارسائی موجود را، که گاه بدست آن ایجاد می‌شود، وسیله یک و نفاق بین کارکنان ت نفت و مقامات مسئول وری قرار دهد، در صنعتی صنعت نفت به اختلال و اعتصاب بزند و با آتش‌افروزی در ستان، مقاصد ضدانقلابی و یالیستی خویش را برآورده کند.

شکله مهمی که اینک مورد استفاده جدی ضدانقلاب ساز قرار گرفته، تصمیم ط به ۴۴ ساعت کار در هفته رای آن در صنایع نفت است. شکله مشخص، با همه روشنی سوخی که دارد، هم‌اکنون ت مسئله‌های بغرنج و پیچیده زده شده و کارکنان صنعت و مقامات دولتی را رودرروی از داده است. چالب اینکه، ایکه با ابراز حسن‌نیت از ب کاملاً قابل حل و رفع آن میسر است، متأسفانه دارد ت مسئله پیچیده‌ای درمی که می‌تواند عواقب بسیار ب بزبان انقلاب و درجهت مقاصد تب‌کارانه امپریالیسم د انقلاب برورده آن ببار بقیه در صفحه ۸

امریکا و پاکستان در بلوچستان در تدارک توطئه‌اند

یک توطئه گسترده ضدانقلابی بخوبی آشکار میشود، که باز هم بدست دشمن اصلی انقلاب ایران، امپریالیسم آمریکا، و این بار مستقیماً از طریق دولت ضیاء الحق در پاکستان تدارک دیده میشود.

در ارتباط با این تدارکات است که همانطور که حجت‌الاسلام حسین وحیدپور متوجه و متذکر شده‌اند - در بلوچستان «گروه کوچکی تشکیل شده بنام نهضت مسلمانان، که کارش فقط همین است که تمام مجلات را جمع میکنند و بدنبال یک جمله میگردند تا اینرا بزرگ کنند و مایه نفاق بین اهل سنت و اهل تشیع قرار دهند».

دامن زدن به اختلافات مذهبی و مکتبی یکی از شیوه‌های دیرین امپریالیسم آمریکا و انگلیس علیه جنبش‌های رهایی‌بخش خلقها، جهت تحمیل سلطه خانمان برانداز خودشان بر این خلقهاست. امپریالیسم آمریکا، سخت تلاش میکند تا نبرد عظیم اجتماعی و تاریخی توده‌های زحمتکش مستعمر شده و مستضعف علیه اقلیت‌های استعمارکننده مستکبر را با نژادهای «مذهبی» و «مکتبی»، یا زردخوردهای «ملی» و «نژادی» و غیره عوض کند، تا خود و هم‌دستان و همجنسان طبقاتی خود را از زیر ضربه بیرون کند و نجات دهد. و جای خرسندی است که مسولوی شهیدان، مفتی اعظم بلوچستان، بدین‌امر توجه داشته، اعتقاد خود را به انقلاب ایران برهبری امام خمینی و طرفداری از «تفاهم بین برادران اهل تشیع و ضداً انقلاب نتواند در بلوچستان خدای تا کرده وضعی مساند کردستان پیش بیاورد».

باید انتظار داشت که ایشان عملاً بمعیت نماینده دفتر تبلیغات امام، دیگر نهادهای انقلابی و ارگانهای دولتی جمهوری اسلامی ایران با یکدیگر در این خط پیشروند.

در عین حال جای بسی تأسف است که در مقامات مرکزی هستند کسانی که از فتودالها و خانهای خیانت‌پیشه، این‌مکندکان عرق و خون روستائیان زحمتکش و مستضعف، هنوز هم حمایت میکنند. بطوریکه نماینده دفتر تبلیغات امام در سراوان بلوچستان متذکر شده‌اند:

«وقتی پای درد دل دادستانی

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی: باید از نفت بعنوان حربه سیاسی استفاده کرد

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، در مساجد مطبوعاتی دیروز خود، در پاسخ خبرنگار نامۀ «مردم» که پرسید: از چه حربه‌هایی می‌توان به منظور مقابله با دشمنی آمریکا استفاده کرد، به لزوم استفاده از حربه نفت تاکید کرد و گفت:

«استحکام وضع داخلی و علاقه مردم به کشورشان مسرتواند ضامن دوام انقلاب باشد. همانطور که در زمان شاه و در مقابله با آمریکا چنین بود... من همیشه نظرم این بود که باید از نفت بعنوان حربه سیاسی استفاده کنیم».

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در مورد اجلاس اوپک، که در جریان است، گفت:

«در مورد سطح تولید، نظر ما این بود که سطح تولید ما کمی بیشتر از گش بازار است و از این رو دست کشورهای غربی را باز می‌کند. نظر ما این است که سطح تولید به اندازه سطح مصرف باشد».

حجت‌الاسلام رفسنجانی در مورد کودتا در ترکیه اظهار داشت:

«این کودتا، از آنجائی که دنیای ما مثل زنجیر بهم مرتبط است، بی‌تأثیر نیست. انقلاب ما طوری عمل کرده که خودش را مستقل اداره کرده... من فکر نمی‌کنم کودتای ترکیه بتواند نقش تعیین‌کننده‌ای در کشور ما داشته باشد».

حجت‌الاسلام رفسنجانی در مورد نامۀ ۵۲ خانوادہ گروگانهای آمریکایی که (برپروز) عمر توسط سفیر سوئیس آورده شده بود، گفت:

«برروز عصر (برپروز) سفیر سوئیس این نامه را آورد. این نامه که از ۵۲ خانوادہ گروگانهای آمریکائی است، تکیه کرده بود روی مسائل احساسی».

تحریف تاریخ برای ایجاد تفرقه
صفحه ۴

وحدت دو کشور سوریه و لیبی بر پایه مواضع ضدامپریالیستی و پایداری در برابر سیاست تجاوزکارانه اسرائیل
صفحه ۷

بدون تفسیر

آمریکا در ترکیه کودتا کرد. «ضیاء الحق به کودتاجان صمیمانه تبریک گفت و برای آنان آرزوی موفقیت کرد».

(خبرگزاری پاکستان)
قطب زاده: «اعتقاد ندارم که پاکستان کاملاً وابسته به آمریکاست».

(کیهان، ۴ تیرماه ۵۹)

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!



کودتایچیان ترکیه به «ناتو» وفادارند

دربی يك کودتای نظامی در ترکیه، ژنرال اورن رئیس ارتش این کشور به همراه دیگر ژنرالها زمام امور را در دست گرفت. نظامیان ترکیه فعالیت‌های سیاسی را در کشور ممنوع کردند. اورن اعلام کرد که ترکیه به قراردادهای بین‌المللی از جمله تعهدات خود به ناتو کاملاً وفادار می‌ماند.

امپریالیسم آمریکا الهام‌بخش ارتجاعی‌ترین نیروهاست

کنفرانس علمی و تئوریک تحت عنوان «گسترش هماهنگ اقدام‌های رژیم‌های ارتجاعی آمریکای لاتین» در مقر سازمان همبستگی با خلق‌های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین در هارانا برگزار شد. در گزارشی که به وسیله نمایندگان احزاب کمونیست پاراگوئه، شیلی، اروگوئه و سازمان‌های دموکراتیک آرژانتین و بولیوی تم و به این کنفرانس عرضه شد، تأکید گردیده است که امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق‌های این قاره است و ایمن امپریالیسم آمریکا است که الهام‌بخش ارتجاعی‌ترین نیروهاست، نیروهایی که خیانت به منافع ملی و کشیدن اسلحه بروی مردم خود، بیرحمانه‌تر دیکتاتوری‌ها را در پاراگوئه، اروگوئه، گواتمالا و دیگر کشورهای آمریکای لاتین برقرار کرده، در بولیوی کودتا نموده و به سرکرو خونین خلق السالوادور، دست زده‌اند.

مرگ ناشی از گرسنگی، فقر، ترور، خشونت، تعقیب و آزار زندانیان محلو از زندانی، شکنجه، مهاجرت اجباری میلیون‌ها پسرک پرست به خارج، این است نتیجه اتحاد شوم ایالات متحده آمریکا فاشیسم.

خفه کردن آزادی، نقض فاحش حقوق بشر و سرکوب دموکراسی، دگرترین ژئوپولیتیک آمریکا را در عمل نشان می‌دهد.

در پایان این کنفرانس، بیانه‌ای از طرف سازمان همبستگی با خلق‌های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین منتشر شد. در این بیانه اشاره شده است که، استراتژی امپریالیسم آمریکا، که هدف تشدید سلطه سیاسی، اقتصادی و غارت ثروت‌های طبیعی منطقه است در اساس به استفاده از نقش خائنه ارتجاع نظامی متکی است. پنتاگون و سیا، با استفاده از کمک نظامیان مرتجع، تلاش دارند جنبش‌های آزادیبخش ملی را سرکوب کنند و نیروهای انقلابی و ترقیخواه را با شکست روبرو سازند. کودتای اخیر در بولیوی، که توطئه دموکراتیک این کشور را متوقف کرده، در خدمت این مقاصد بود است.

سازمان همبستگی با خلق‌های آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، در این بیانه قاطعانه پیوندهای جنایتکارانه میان رژیم‌های ضد خلق آمریکای لاتین و امپریالیسم آمریکا را محکوم و به افکار عموی جهان و نیروهای دموکراتیک توصیه کرده است که علیه نقشه کابو سفید برای تبدیل این قاره به کانون دیکتاتوری‌های خون‌آلود متحد شوند.

بیانه مزبور لزوم تحکیم همبستگی با خلق‌های بولیوی، پاراگوئه، شیلی، اروگوئه، گواتمالا، السالوادور و دیگر کشورهای که برای آزادی و دموکراسی و علیه ستم ارتجاع و امپریالیسم سلطه انحصارات خارجی مبارزه می‌کنند، مورد تأکید قرار داده است.

کرسی کامپوچیا در سازمان ملل به دولت قانونی این کشور تعلق دارد

خبرگزاری کامپوچیا اعلام کرد حق نمایندگی مردم کامپوچیا در سازمان ملل باید به شورای انقلابی خلق - تنها نماینده قانونی مردم کامپوچیا داده شود که سرانجام کشور را کنترل می‌کند. این خبرگزاری اضافه کرد: امپریالیسم و ارتجاع جهانی و توسه طلبان پکن به تبلیغات پسر و سودا دست‌زده‌اند تا در سازمان ملل کرسی کامپوچیا را برای رژیم جلاوران پولپوت - ینگساری میلیونها تن از مردم کامپوچیا را بقتل رسانند. حفظ کرسی خبرگزاری کامپوچیا یادآور شد این سیاست با آرمان‌های استقلال و آزادی مغایرت داشته و نقض حقوق بشر محسوب شده بمنزله مبار علیه همه خلق‌هایی است که به استقلال و آزادی ارجح می‌نهند.

خارآگین سازد. ولی متأسفانه اراک شاهد آیم که درست روزهایی که حزب توده ایران تمام امکانات و نیروی خود حفظ انقلاب و جمهوری اسلا ایران همت گماشته است، فعالیت اعضا و هواداران از طرق مختلف تنگ و تنگ می‌شود.

در پایان این نامه، ضمن تأکید بر آنکه محدود کردن فضا نیروهای انقلابی بی‌تردید خواهد ضدانقلاب است و خدمت به انقاف نیست، از داستان کل انقلاب سایر نهادها انقلابی خواهد شده است که رفقای دربند شوند و جلو اعمال غیرقانونی گرفته شود.

تشکیلات بزرگ هست، باشد. دکتر باهنر پس از آن در مورد سیاست خارجی ایران صحبت کرد و به چند مورد از نو قراردادهای و قطع رابطه با کشورهای وابسته به امپریالیسم آمریکا اشاره کرد. دکتر باهنر آنگاه در مورد نیروهای انقلابی دفاعی، که پس از انقلاب بوجود آمدند گفت: «غیر از ارتش، دو نیروی جدید هم از دل انقلاب جوشید، که بعنوان يك نیروی دفاعی برقرار شد و امکانات توسعه آن نیز انجام شد و در قانون اساسی هم تصریح شده است، که سپاه پاسداران باید باشد. نهاد دیگر بسیج مستضعفین بود، که وظیفه آن آموزش دادن به توده مردم هست و این نهاد سرعت دارد گسترش پیدا می‌کند»

تغییرات در ارتش
دکتر باهنر در مورد اقداماتی که در درون ارتش برای خلقی کردن انجام گرفته است، از جمله گفت: «از جمله کارهایی که در ارتش صورت گرفته است عبارتند از: لغو درجات ارتشیدی و سپیدی، لغو رتبه‌های گماشته، تغییر معیارهای گزینش فرماندهان، از بین بردن تازیانه‌ها، این قوای ارتش، همچنین کلیه قراردادهای نظامی با کشورهای سلطه‌طلب لغو شد. يك دفتر تحقیقات صنعتی بوجود آمد که وظیفه آن ساختن قطعات یدکی برای وسایل جنگی است. کلیه مستشاران نظامی اخراج شدند و يك شبکه اطلاعاتی در ارتش به وجود آمد، که البته با آنچه که در گذشته بود، هماهنگی ندارد، زیرا آنچه که در گذشته بود، نمی‌توانست در جهت اهداف جمهوری اسلامی قرار گیرد و نزدیک به ۹۰ درصد از افراد شبکه ضد اطلاعات ارتش گم‌گشته کنار گذاشته شدند. این شبکه اطلاعاتی توانست کمک زیادی در کشف توطئه کودتای اخیر داشته باشد»

بنیاد مسکن
دکتر باهنر سپس به اقداماتی که برای تعدیل ثروت انجام شده است، اشاره کرد و آنگاه آماری در مورد خانه‌سازی برای مستضعفین، اسفالت خیابانها و درختکاری در قسمت‌های شمال و جنوب شهر داد. دکتر باهنر در مورد کمیته‌امداد امام خمینی و بنیاد مسکن گفت: «کمیته امداد امام ۵ میلیون تومان وام برای خانه‌سازی داده است که حداکثر این وامها ۴۰ هزار تومان بوده است. بنیاد مسکن هم خیلی بیش از کمکی که به حساب شماره ۱۰۰ ریخته شد، صرف ساختن واحدهای مسکونی کرده و از بودجه سازمان مسکن و شهرسازی نیز استفاده کرده است. بطور نمونه بنیاد مسکن ۶۰۰ واحد مسکونی در چیزت ساخته است»

دکتر باهنر در مورد بنیاد مستضعفین گفت: «بنیاد مستضعفین غنی‌ترین موسسه موجود است، چون تعداد زیادی کارخانه، کخ، کشت و صنعت، مجتمع‌های بزرگ مسکونی، شهرک‌ها، هتل‌های وسیع، که متعلق به رژیم گذشته و عوامل آن بود، در اختیار دارد. بطور نمونه فقط روزنامه کیهان ۱۶۵ میلیون تومان قیمت تجهیزات آن است... ولی در این موسسه (بنیاد مستضعفان) ضعف مدیریت وجود دارد، که شاید به خاطر گرفتاریهایی که برای اداره این

حجت‌الاسلام دکتر باهنر: دانشگاه باید در بخش‌های تولید صنعتی کشور شرکت کند • در کنار کارخانه‌ها باید مراکز آموزشی ایجاد شود.

نداشته، تصفیه شده است، در حالی که در جانی دیگر دیده می‌شود که هنوز موره‌های عمده رژیم گذشته بر سر کار هستند. به همین علت تصفیه باید ادامه داشته باشد، ولی باید دقت لازم در آن صورت بگیرد»

دکتر باهنر در مورد نظام آموزشی و انقلاب فرهنگی گفت: «در گذشته بودجه زیادی خرج آموزش می‌شد، مثلاً هر سال بیش از ۹۰ هزار تومان خرج هر دانشجوی رشته پزشکی می‌شد، ولی ۸۰ درصد از دکترهای فارغ‌التحصیل پزشکی جذب بیمارستان‌های خارج از کشور می‌شدند... ما طرح مجتمع‌های پزشکی داریم که در نقاط مختلف با دوره‌های کوتاه‌تر بتواند پزشک تحصیل جامعه بدهد و یارشته‌های مهندسی طوری تنظیم شود که در خدمت مستضعفین باشد»

دکتر باهنر سپس در مورد شرکت دانشگاه در تولید صنعتی کشور گفت:

«دانشگاه باید در بخشی از تولید صنعتی کشور شرکت کند. باید تربیتی داد که مراکز آموزشی در کنار کارخانه‌ها به وجود آید تا دانشجویان بتوانند در امر تولید شرکت داشته باشند. ما در تحقیقاتی که انجام دادیم، در بعضی موارد متوجه شدیم که مجموعه اطلاعاتی که در عرض ۶ سال در دوره‌های لیسانس و فوق‌لیسانس به دانشجویان داده می‌شود، می‌شود در عرض دو سال

حجت‌الاسلام دکتر باهنر، عضو شورای انقلاب در ادامه مصاحبه مطبوعاتی خود در مورد گزارش عملکردهای ۲۰ ماهه شورای انقلاب، مطالبی نیز درباره تصفیه و پاکسازی ادارات و سازمانهای دولتی از عناصر رژیم گذشته، انقلاب فرهنگی و بوجود آوردن نظام نوین آموزشی، تعدیل ثروت، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و بوجود آوردن سپاه پاسداران و بسیج ملی تغییرات بنیادی در ارتش توسط شورای انقلاب اظهار داشت.

تصفیه ادارات دولتی

دکتر باهنر در مورد تصفیه ادارات و سازمانهای دولتی گفت: «تصفیه ادارات و سازمانهای دولتی از افراد وابسته به رژیم سابق کار بسیار دشواری بود، زیرا نزدیک به ۸۴۰ هزار نفر در کل ادارات مشغول به کار بودند. اینکار در چندین نوبت و از طریق بازنشسته، بازخرید و یا تصفیه کردن انجام شد. برای نمونه ۷۹۹۷ نفر در ارتش در ابتدا تصفیه شدند، که بعد ۸۴۹ نفر از آنها به سر کار خود بازگشتند، یعنی حدود ۷۰۰۰ نفر در ارتش تصفیه شدند»

در آموزش و پرورش در ابتدا ۱۴۰۰۰ نفر بازنشسته و بیش از چند هزار نفر تصفیه شدند»

در وزارت خارجه ۷۹۸ نفر از کل ۱۶۰۰ نفر کادر سیاسی تصفیه شدند، یعنی نزدیک به ۵۵ درصد از کل کادر سیاسی تصفیه شدند»

دکتر باهنر در مورد چگونگی تصفیه و پاکسازی در ادارات دولتی گفت:

«مشکل تصفیه کار بسیار پیچیده‌ای است، چون معیارهای تصفیه بسیار متفاوت است. گاه اتفاق می‌افتد در يك جا يك نفر، که سالها در زندانهای رژیم گذشته بوده و حتی شکنجه دیده به خاطر يك تعهدنامه که در زیر فشارهای ساواک داده است و هیچگونه همکاری هم با ساواک

«میزان» بسود کودتای امریکائی در ترکیه، زیرلوی

«بیطرفی!» تبلیغ می‌کند

کرد، آمریکا را «دوست» می‌دانند. و نیز ادعا کرده، ترکیه «بی‌بیچوجه پایگاه يك کشور دیگر» نیست!

بینید این لیبرالها، چه موجودات دل‌رحم، «منصف» و «آزادخواه» هستند، که حتی برای کودتاگران دست‌نشانده آمریکا نیز «آزادی» اظهار عقیده قائلند! با آن‌ها مصاحبه «اخصاصی» ترتیب می‌دهند، با برزیسکی که جانوری «آزادخواه‌خوار» است، سر يك میز می‌نشینند و «آزادانه» گپ می‌زنند و توافق می‌کنند... اما مردم ایران نیز آزادند که خود را از شر اینگونه موجودات «آزادخواه» برهانند - آقایان آزادی مردم موافقید آقایان لیبرالها!

سراغ نماینده کودتایچیان در تهران، یعنی سفیر ترکیه فرستاد، تا برای حفظ «بیطرفی»، نظریات اویسی‌های ترکیه را نیز منعکس سازد. سفیر ترکیه در يك مصاحبه «اخصاصی» با «میزان» ادعا می‌کند که «چنین کودتائی، بعلمت وجود خطر شدید برای صلح!» و «سقوط کامل دموکراسی!»، برای «حفظ حاکمیت ملی!»، «حفظ صلح اجتماعی، وحدت ملی و تقاضای اجتماعی!»... «ضرورت!» داشته است. او «اخصاصاً» به «میزان» می‌گوید که کودتایچیان «تمامی تعهدات ترکیه» را «حفظ» خواهند

داد، تا آنجا که می‌تواند، با کشاندن پای اتحاد شوروی و «شرق» به این جریان، امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربیه خارج سازد و از شدت گناهان آن بکاهد، اما بهر حال، علیرغم تمایل خویش، مجبور شد اعتراف کند که این کودتا امریکائی است (و در زمانیکه حتی خود کودتایچیان این را اعتراف می‌کردند، چاره‌ای نداشت)

اما «میزان» برای گریز از ناراحتی «وجدان» و تسکین آن، فرمای آرزو، خبرنگار خود را

روزنامه «میزان» ارکان لیبرالهای ایران، در شماره ۷ خود، به تبلیغ نظریات کودتایچیان ترکیه پرداخته است!

این روزنامه در شماره ۵ خویش کودتای امریکائی ترکیه را «نتیجه» عمل شوروی معرفی کرد: «چراغ سبزی که روسیه با اشغال نظامی افغانستان به آمریکا نشان داد، اکنون نتیجه اش ظاهر شده!»

«با اشغال نظامی افغانستان توسط ارتش سرخ، چراغ سبزی برای اقدامات مشابه به غرب داده شده!»

«میزان» در اظهار نظر خویش در این مورد، تلاش بسیار بخرج



اطلاعات ۲۳ ر ۵۹

نامه سرگشاده سازمان حزب توده ایران در اراک خطاب به دادستان کل انقلاب

افراز هواداران حزب توده ایران را آزاد کنید! در این مورد به عمل‌تیاورده‌اند، بلکه یکی دیگر از رفقایمان را در روز ۱۶ شهریور دستگیر و زندانی کرده‌اند. در دنباله نامه، ضمن دادن تذکره در مورد فعالیت قانونی حزب توده ایران و سخنان مشغولین مملکتی در مورد آزادی فعالیت سیاسی سازمان‌های مومن به انقلاب، آمده است: «امپریالیسم آمریکا از همان

به دنبال دستگیری ۸ تن از هواداران حزب توده ایران در اراک، هنگام چسباندن پوستر ضد آمریکایی (خطر آمریکا جدی است، متحدشویم)، سازمان حزب توده ایران در اراک، ضمن نامه سرگشاده‌ای خطاب به دادستانی کل انقلاب، خواستار آزادی این افراد شد.

در نامه سازمان حزب توده ایران در اراک آمده است: «روز ۱۳ شهریور ۸ تن از رفقای ما که در حال چسباندن پوستر ضد آمریکائی بودند، توسط مأمورین کمیته دستگیر و روانه زندان می‌گردند. تاکنون با اینکه چندین بار به کمیته امام مراجعه کرده و خواستار توضیح و رسیدگی شده‌ایم، متأسفانه نه تنها اقدامی

آغاز پیروزی انقلاب در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران موضع خصمانه گرفت... و اینک سعی در سرکوب جنبش انقلابی ایران دارد. برای مقابله با این دشمن کین‌جو، ددمنشی، غارتگر و درنده‌خو انقلاب ایران نیز باید به تحکیم مواضع خود متقابلاً همت گمارد و صفوف انقلاب را در برابر امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب دست‌پسورده‌اش

آقای دکترهایون الهی، استاد دانشگاه، به نوشته خودشان، "در لابلای اخبار مترجم داخلی و خارجی"، اخیراً "خبر ارسال نامه برتلف به گارتز" را بیان کرده اند، تا در صفحاتی چند از دو شماره بی دربی "اطلاعات" باصطلاح "تداوم روند استعماری در سیاست خارجی شوروی" را نشان دهند "بهاغه" بدین سبب نامیدیم که، در نوشته "دراز ایشان"، جزاشاره‌ای در آغاز، آن هم بدون کوچکترین توضیحی از مضمون نامه، نشده است.

و اما "تذ" اصلی همه نوشته ایشان به هیچوجه چیز تازه‌ای نیست. این ادعای خلاف واقع ایشان که گویا "حتی انقلاب کمونیستی در روسیه (انقلاب کمیسوئالیستی اکثر را چنین نامیده است) در روند استعماری سیاست خارجی این کشور تغییری نداده"، یکی از "تذ" های ایدئولوژی آنتی کمونیسم در رشته تاریخ است، که ساخته و پرداخته بورژوازی امپریالیستی است.

پیش از آن که به غرض اصلی از اختراع ایسن "تذ" به برداریم، لازم است با مراجعه به رویداد های مسلم تاریخی، برده از روی ماهیت آن برداریم و چون تغییرات اساسی در سیاست خارجی دولت شوروی (نسبت به حکومت تزاری روسیه) بسیار است، فقط به گستره مربوط به روابط با ایران و در همان محدوده تاریخی که آقای دکترهایون الهی از نظر گذرانده است، به اختصار اشاره می کنیم.

۱- آقای دکترهایون الهی از انقلاب مشروطیت ایران (۱۲۸۹-۱۲۸۴) نوشته اند، قرارداد ۱۲۸۶ (۱۹۰۷ میلادی) بین امپریالیسم انگلستان و تزاریسم روسیه درباره تقسیم ایران به مناطق نفوذ را گوشزد کرده اند، و بالاخره، دوران جنگ جهانی اول ۱۲۹۷-۱۲۹۳ (۱۹۱۸-۱۹۱۴ میلادی) و اشغال نظامی ایران را خاطر نشان کرده اند. البته، اکثریت قریب به اتفاق مورخینی که درباره انقلاب مشروطیت نوشته اند، مداخلات ناهنجار امپریالیسم انگلیس و تزاریسم روسیه را بدرستی از علل عمده جلوگیری از گسترش انقلاب و سبب ناتمام ماندن آن دانسته اند. اما اکثریت قریب به اتفاق همین مورخین نیز بدرستی از کمک های مادی و معنوی گرانبهای یاد کرده اند، که انقلابیون روسیه، برهنمود حزب خود، حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه، که لنین بنانهاده بود، و بر پایه "انترناسیونالیسم پرولتری خود نسبت به انقلاب ایران کرده اند. گروه های بسیاری از آنان (درست در همان زمان، که خود و حزب برافتخارشان درگیر دشوارترین مبارزات با رژیم خونخوار تزاری بودند) در دستگاه انقلاب مشروطیت، زیر فرماندهی ستار-تاهنناهی رزمیده، دهها نفر جان شیرین خود را نثار انقلاب ایران کرده اند.

بنیانگذار نخستین دولت سوسیالیستی جهان، لنین، یکی از برجسته ترین اندیشمندان و سیاستمداران روسیه بود، که در نخستین آثار دوران جوانی خود ("گسترش سرمایه داری در روسیه" و غیره) ۱۸۰ سال پیش از پیروزی اکتبر کبیر، نظام سرمایه داری روسیه و سیاست استعماری تزاریسم را بطور کلی، و نسبت به ایران بویژه، مورد انتقاد مستدل علمی و کوبنده قرار می داد. لنین به کرات "قراردادهای مخفی روسیه با ایران" (مابین تزاریسم روسیه و دولت امپریالیستی، از جمله قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵) را بدست محکوم کرده است، به جرات میتوان گفت که هیچیک از متفکرین برجسته و انقلابیون نامدار قرن ۲۰، به پایه لنین در تحلیل دقیق و ارزیابی علمی جنبشهای رهایی بخش ملی و ضد امپریالیستی خلقهای مستعمرات و کشورهای وابسته، از جمله ایران نرسیده اند.

در آبان ۱۲۹۷ (اکتبر ۱۹۰۸) در مقاله خود زیر عنوان "حوادث بالکان و ایران"، لنین همدستی ضد انقلابی کشورهای امپریالیستی اروپا علیه جنبشهای رهایی بخش ضد امپریالیستی خلقهای آسیا را محکوم کرده، اهمیت دمکراتیک آسیایی را بویژه متذکر میشد و می نوشت،

"ما مایهت آنچه که اکنون در بالکان، در ترکیه، در چین، در ایران می گذرد. در ائتلاف ضد انقلابی کشورهای اروپا علیه دمکراتیک و رهایی بخش آسیا خلاصه می شود." (لنین، آثار، جلد ۱۵، ص ۱۹۹).

همانسان، در اثر دیگر خود، "ماده محترقه در سیاست جهانی"، لنین، که انقلاب های آسیا را به همراه انقلاب های اروپا، بخشی از "مبارزه بین المللی پرولتاریا" و "مرحله نوین و برابری عالیتر" محسوب می داشت، درباره "سرکوب انقلاب مشروطیت و گلوله باران مجلس یکم باختم و نفرت نوشت؟

"در ایران ضد انقلابی روی داد که به طرز خاص خود انحلال دوما اول (مجلس روسیه) را با قیام آخراصل ۱۹۰۵ توأم میکند. نیروهای تزار روس، که مفتضحانه از زاینی ها شکست خوردند، با سعی در خدمت به ضد انقلاب (محمد علی میسرزا) انتقامجویی می کنند." (همانجا، ص ۱۶۰).

در همین مقاله، لنین "بیطرفی" ریاکارانه امپریالیسم مکار و خونخوار انگلیس را افشا کرده نوشت:

"وضع انقلابیون در کشوریکه از یکسو اربابان هند و از سوی دیگر حکومت ضد انقلابی روسیه در شرف تقسیم آتند، بسیار دشوار است. اما مبارزه سرخخانه در تبریز، کامیابیهای مکرر نظامی انقلابیون که بنظر میرسد دیگر درهم شکسته شده اند، نشان میدهد که قداره بندیهای شاه حتی با کمک گرفتن از لیاخوف های روس و دیپلماتهای انگلیس نیز باز با شدیدترین مقاومت های توده مردم روبرو هستند. چنین جنبش انقلابی که میتواند در برابر تلاش مسلحانه برای بازگشت به دوران گذشته پاسخ مسلحانه ندان شکن بدهد و قهرمانان چنین کوششهایی را مجبور به درخواست کمک از خارج کند، محو شدنی نیست و حتی پیروزی کامل ارتجاع ایران در این شرایط تنها میتواند مقدمه هیجانهایی نویسن خلق بوده باشد." (همانجا، ص ۱۶۰).

و چهار سال بعد، پس از سرکوب جنبش مشروطیت، بازم حزب لنین بود که در کنفرانس خود در شهر براک (۱۹۱۲) به پشتیبانی از انقلابیون ایران برخاسته، در قطننامه ویژه خود تزاریسم روسیه و امپریالیسم انگلستان را بدست محکوم کرد، در این قطننامه آمده است:

"حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه علیه سیاست راهزانه دارودسته تزاری، که درصدد اختناق آزادی خلق ایران است و از هیچ عمل مسلحانه و نفرت انگیزی خودداری نمی کند، اعتراض مینماید. کنفرانس تأیید می کند که اتحاد دولت روسیه با دولت انگلستان، که به هر نوع مورد حمایت و ترویج لیبرال های روس قرار گرفته، پیش از هر چیز علیه جنبش انقلابی دمکراسی آسیایی است و ایسن اتحاد، دولت لیبرال انگلستان را شریک وحشیگری خونین تزاریسم میکند. کنفرانس همدردی کامل خود را نسبت به مبارزه خلق ایران، بویژه مبارزه حزب سوسیال دمکرات که اینقدر در مبارزه با بورژوازی تزاری شهید داده است اعلام میدارد." (همانجا، جلد ۱۷، ص ۲۴۴).

پس از شروع جنگ جهانی اول، در مقاله ای که تحت عنوان "غرور ملی و لیوکروسها" نوشت، لنین با تنفر و انزجار عمیق تزاریسم روسیه را محکوم کرده است که "روستایان آن کشور را برده وار به جنگ غارتگرانه علیه ایران و دیگر کشورهای سوق میداد" (همانجا، جلد ۲۱، ص ۸۸).

در پیامی که لنین در ماه اوت ۱۹۱۵، بمناسبت جنگ جهانی امپریالیستی، نوشت، سیاست استعماری دول امپریالیستی متخاصم را محکوم کرده نوشت:

اتفاقیه در جهان را توضیح داده بود. او ایران را به کسی تشبیه کرد که، طنابی از دوسوبه گردنش بسته اند و میکشند. پیروزی انقلاب کمیسوئالیستی اکتبر بود که با سرنگون کردن تزاریسم روسیه این طناب را از یکسویاره کرد و ایران را از خطر واقعی و حتی تبدیل به مستعمره رسمی و تقسیم بین دول امپریالیستی نجات داد (بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، تهران، ۱۳۵۷، ص ۲۷). عدم سازش با سیاست استعماری امپریالیسم و مخالفت اصولی و بیگربا آن بود که کینه حیوانی همه دول امپریالیستی را علیه نخستین دولت سوسیالیستی جهان برانگیخت (اگر دولت نوییاد شوروی با امپریالیسم انگلستان سازش میکرد، ایران که در زمان جنگ در اشغال نظامی آنها بود، تقسیم شده و کارش یکسره بود).

عدم سازش اصولی دولت سوسیالیستی سبب شد که دولوک امپریالیستی "متفقین" و "متحدین" که باهم در جنگ وستیز بودند، یکباره همدست شدند و به کشورهایار هجوم بردند، مداخلات مسلحانه را از همه سو، و از جمله از راه ایران، علیه آن دولت نوییاد آغاز کردند. بویژه دولت انگلستان یکی از سازماندهندگان اصلی این هجوم (۱۴ دولت) امپریالیستی علیه سوسیالیسم پیروز بود.

اما آقای دکترهایون الهی می نویسد که گویا "استعمار تیر خورده انگلستان... به رهبران جدید کرملین روی آورد و ایسان نیز بدون تأمل قدم به راهی گذاردند که تزارها فرسنگها از آنرا قبلا پیموده بودند...".

در ادامه، این تحریف آشکار تاریخی، آقای

تحریف تاریخ برای ایجاد تفرقه

"در حال جنگ برای بشریت استعمار تازه صدها و دهها میلیون مردم را در مستعمرات، در ایران، ترکیه، چین، استعمار تازه برای ملت ها و زنجیرهای نو برای طبقه کارگر همه کشورها به همراه می آورد." (همانجا، ص ۳۳۵).

لنین بویژه قراردادهای سری تزاریسم را با دولت های امپریالیستی افشا نموده نوشت:

"هدف همه آنها چپاول ایران، چین، ترکیه و دیگر کشورهاست." (جلد ۲۲، ص ۲۲۹).

به تحقیق میتوان گفت که آنچه لنین در افشای مستدل و انتقاد علمی از سیاست استعماری امپریالیسم بطور کلی، و تزاریسم روسیه بویژه، نوشته، هیچ متفکر و متقدم دیگری ننوشته است تنها بخش مربوط به افشای این سیاست درباره ایران میتواند کتایی بس جالب بوجود آورد.

اما آقای دکترهایون الهی، که در مقاله خود سیاست خارجی تزاریسم روسیه نسبت به ایران و سیاست خارجی دولت شوروی و بنیانگذار آن لنین را از نظر گذرانده است، راجع به این واقعیات انکار ناپذیر تاریخی، که نمونه بارز پشتیبانی حدی مترقی ترین نیروهای انقلابی روسیه به رهبری لنین از مردم ایران و مبارزه آنان علیه استبداد سلطنتی و استعمار امپریالیستی است، کلمه ای هم به قلم نیآورده است، برعکس، چنین قلمداد کرده است که گویا تنها پس از "طوفان انقلابی سهمگین در روسیه در سال ۱۲۹۶ (۱۹۱۷ میلادی)" است که "اکتون انقلابیون در روسیه پرچم حمایت و پشتیبانی از ملل تحت ستم را برافراشتند."

۲- آقای دکترهایون الهی سپس از انقلاب اکتبر، تشکیل نخستین دولت سوسیالیستی جهان و سیاست خارجی آن نسبت به ایران، در ارتباط با بعضی وقایع دیگر، سخن به میان آورده است، اینجاست که در مقابل حقایق سرسخت تاریخ (برای اینکه خود را در نظر خواننده "بیطرف" جلوه گر سازد) آقای دکترهایون الهی، "تذ" اصلی نوشته خود را برای یک لحظه فراموش میکند و اعتراف می نماید که:

"رهبران کمونیستی روسیه دیگر راه تزارهای استعمارگر را نمی پیوموند... دولت کمونیستی در مسکو قراردادهای سری خود را با انگلستان در مورد ایران و همین طور تمام بیمنایهای تحمیلی تزارها را بر ایران ملغی نمود... بنظر میرسد که عصر تزارهای در جهان آغاز گشته."

لیکن به یکباره "تذ" اصلی بیاد آقای دکترهایون الهی می افتد. او با جمله "اما رویای پلائی توده های تحت ستم در جهان و بخصوص ایران چون حبیبی بر آب خیلی زود ازم متلاشی گشت." باز رجعت به اصل میکند. وی از "قرارداد معروف و توثق الدوله (۱۲۹۸ شمسی ۱۹۱۹ میلادی)" بیاد میکند. اما هنگامیکه از علت خنثی شدن این نقشه خانمان برانداز امپریالیسم انگلیس سخن میگوید، مینویسد:

"اما نمایندگان مجلس تحت تأثیر وقایع اتفاقیه در جهان (۱۹) زیر بار رنگ تصویب این چنین بیمنای ترنفتند."

آقای دکترهایون الهی نمی خواهد ایسن "وقایع اتفاقیه در جهان" را بشکافد. اما بسیاری از مورخین مطلع و بی غرض، از جمله یکی از استادان ایشان، ملک الشعرا بهار، در همان روزهای سال ۱۲۹۸، در میتینگ اعتراضی که دمکراتها علیه ایسن قرارداد منحوس تشکیل داده بودند، این "وقایع

برعکس، حتی از پذیرفتن رسمی نماینده سیاسی دولت شوروی، که ۱۳ ژانویه (۲۳ دی ۱۲۹۶) وارد تهران شده بود (و برای رسمیت دادن به لغو قراردادها و تخلیه کشورهای تزاری ضرورت داشت) خودداری کرد. مذاکات دولت شوروی چندی بعد (۲۶ ژوئن ۱۹۱۹، ۵ خرداد ۱۲۹۸) ضمن یادداشتی، به ابتکار خود، به دولت و مردم ایران مراجعه کرد و رژیم کاپیتولاسیون و دیگری امتیازاتی را که در زمان تزاریسم به ایران تحمیل شده بود، مردود و لغوشده اعلام نمود. طبق همین سند، دولت شوروی رسماً کلیه اموال و موسسات سرمایه داران روسیه در ایران را به مردم ایران واگذار کرد.

چند روز پس از امضای قرارداد ننگین و توثق الدوله، که آقای دکترهایون الهی از آن یاد کرده است، دولت شوروی طی پیامی خطاب به محترمکشان ایران اعلام داشت:

"درست در لحظهای که درندگان انگلیسی بر ایران مسلط اند و میکوشند طوق بندگی کامل را به گردن مردم ایران بیاندازند، دولت کارگران و دهقانان جمهوری شوروی روسیه رسماً اعلام میدارد که قرارداد اسارت آور انگلیس و ایران را به رسمیت نمی شناسد."

اما دولت شاهنشاهی ایران به جای استقبال از پیشنهاد دولت شوروی، و استفاده از پشتیبانی آن جهت اخراج نیروهای انگلیس و تأمین آزادی، استقلال و تمامیت ارضی ایران، شرایط کشتن نماینده نام الاختیار شوروی، کولومیسف را فراهم کرد، نماینده ای که کنفرانس صلح باریس فرستاد و ادعاهای علیه دولت شوروی و در جهت سیاست و منافع اربابان امپریالیستی مطرح ساخت.

ولی علیرغم همه خرابکاریها و اختلال گریهای امپریالیسم و محافل ارتجاعی ایران، بالاخره در ۲۵ مه ۱۹۲۰ (۲۵ اردیبهشت ۱۲۹۹) مذاکراتی که پس از پیروزی انقلاب اکتبر آغاز شده بود، به نمر رسید و نماینده تام الاختیار دولت ایران (مشاور الممالک انصاری) برای مذاکره عازم مسکو گردید. در نوامبر همان سال مذاکرات در مسکو برای امضای بیمنای بین دو کشور آغاز شد، که اوخراصل به نتیجه رسید. عضو هیئت نمایندگی ایران، حمیدسیاح، در خاطرات خود مینویسد:

"رئیس دولت شوروی لنین در ملاقات خود با هیئت نمایندگی ایران متذکر شد که سیاست خاوری روسیه شوروی درست عکس سیاست حکومت های امپریالیستی خواهد بود، در جهت عکس سیاست غارتگرانه و توسعه طلبانه امپریالیستی خواهد بود. موضع ما دوستی فارغ از خودخواهی، و عدم مداخله در امور داخلی کشور شما است."

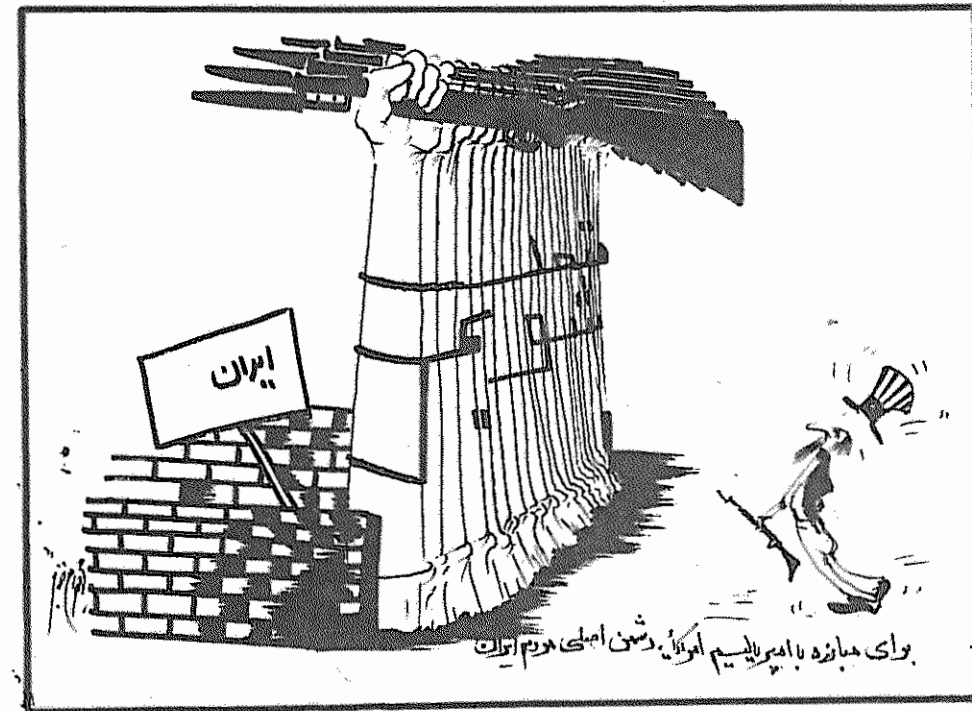
در دنباله این مذاکرات بود که ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ (اسفند ۱۲۹۹) قرارداد ایران و شوروی، که آقای دکترهایون الهی به تلخی و عصبانیت فراوان از آن یاد کرده است، به امضاء رسید.

چنانکه دیدیم، اولاً - "امضای این قرارداد"، برخلاف ادعای آقای دکترهایون الهی، به هیچوجه نتیجه "تماس مسکو با کودتاچیان در تهران" (کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را در نظر دارم) نبود، بلکه در دنباله مذاکرات طولانی صورت گرفت که به ابتکار دولت شوروی، از همان اولین روزهای پس از انقلاب اکتبر، آنهم با دولت ایران (نه کودتاچیان) صورت میگرفته است. ثانیاً - این قرارداد به هیچوجه "سند رسوائی رهبران کمونیست در مسکو" نبود، بلکه نخستین بیمنای بود که دولت ایران بر مبنای برابری کامل حقوق با یک دولت بزرگ امضا میکرد. در مقدمه این قرارداد چنین آمده است:

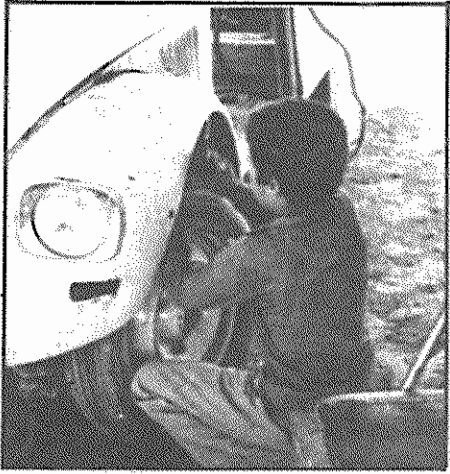
"دولت شوروی روسیه، نظریه آرزوی خود مبنی بر این که شاهد استقلال، سعادت و تملک مردم ایران نسبت به همه منافع خویش می باشد، کلیه قراردادهای و موافقتنامه های امضا شده از جانب حکومت سابق تزاری را با ایران، که حقوق مردم ایران را نادیده گرفته اند، لغو کرده، آنها را کان لم یکن اعلام میدارد."

ثالثاً - این بیمن، درست برخلاف آنچه آقای دکترهایون الهی قلمداد میکند، نه در نتیجه "زل اصلی مقامات انگلیسی" بلکه علیه سیاست استعماری امپریالیسم انگلستان و در جهت منافع حقه مردم ایران امضا شده بود. این بیمن لغوه همه امتیازهای را که پیش از انقلاب اکتبر به سرمایه

بقیه در صفحه ۶



مشکلات کارگاههای صافکاری خیابان سپاه (شیراز)



در انتهای خیابان سپاه اطراف پانصد دستگاه شیراز، در گوشه و کنار خیابان، سایبانهای حصیری یا فلزی قرار دارند که در آن کارگران، در گرمای طاقت فرسا، در کارگاههای صافکاری مشغول به کار هستند. کارگرانی که در میان آنها کودکان کم سن و سال ده تا دوازده ساله دیده می شوند. این کارگران نیز به نوبه خود مشکلاتی را دارند. این مشکلات را کارگران بطور عمده چنین بیان می دارند:

- ۱- محل کار
- ۲- کمبود وگرانی وسایل کار
- ۳- کمی درآمد
- ۴- نداشتن ایمنی در محل کار
- ۵- نداشتن سندیگا برای دفاع از حقوق صنفی آنها

برای آشنایی با مشکلات کارگران در کارگاههای صافکاری، با تنی چند از آنها به گفتگو نشستیم. هر یک از دیدگاهی مشکلات خود را بیان می کردند. استاد حسن صافکار، ۲۲ ساله، دیپلمه، در این باره می گوید:

"اولین مسئله نداشتن محل کار مناسب است. این زمینهای بایر متعلق به سازمان اوقاف است. به همین دلیل به ما فشار می آورند که از اینجا برویم. تازه این محل هم فقط در تابستانها قابل استفاده است و زمستانها جایی برای کار کردن نداریم. بعد از این مسئله کمبود وگرانی وسایل از جمله کاربیت است. دولت باید تفری برای محل و وسایل کار ما بکند.

وی ادامه می دهد:

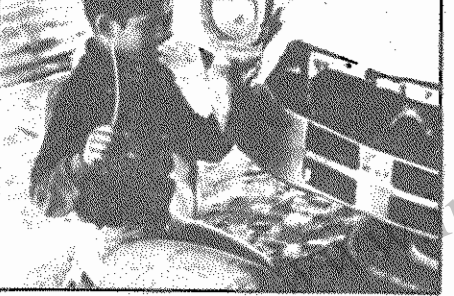
"روزانه ۱۰۰ تومان درآمد داریم. خانه ام هم ویرانه ای است. حداقل دولت باید خانه سازی را در اختیار بگیرد و این مشکل را حل کند."

نظری در باره مبارزه با آمریکا این است:

"همبستگی و وحدت مردم از هر فکر و طریقه باید ایجاد شود. این اساسی ترین مسئله است و بعد از آن بالا بردن سطح تولید داخلی. این کار

باید ادامه می دهد:

"روزانه ۱۰۰ تومان درآمد داریم. خانه ام هم ویرانه ای است. حداقل دولت باید خانه سازی را در اختیار بگیرد و این مشکل را حل کند."



کارگران در کارگاههای صافکاری خیابان سپاه

با خلع پدسرمایدارهای طاقتی و ملی کردن صنایع امکان پذیر است."

کمی پائین تر به سایبان دیگری به نام "امید" می رسمیم. با کارگر ۱۰ ساله ای به نام رضا به گفتگو می نشینیم. رضا در کلاس چهارم دبستان تحصیل می کند و در تابستان به علت مشکلات مالی کار میکند وی می گوید:

"پا روزی ۱۲ تا ۱۳ ساعت کار، هفته ای ۱۰۰ تومان می گیرم. از ۷ صبح تا ۸ شب کار می کنم. در خاک و گل نمی توان کار کرد. خطرناک تر از این است. مثلا لوله بزرگ آتش می گیرد و خطر انفجار هست. در مورد مسائل تفریحی و استراحت نیز چنین می گوید: "امکانات تفریحی وجود ندارد. استخرها شلوغ و گران است. حتی یک پارک برای استراحت و تفریح وجود ندارد."

کارگر نوجوان دیگری به اسم محمد، که ۱۳ سال دارد و در سال اول راهنمایی تحصیل می کند می گوید:

"هفته ای صد تومان حقوق می گیرم. جمعه ها هم کار می کنم. از صبح تا شب برای یک لقمه نان توی این خاکها می لولیم."

راجح به خواست هایش می گوید:

"دولت باید محل کار مناسب ایجاد کند و دستمزدها را تحت کنترل خود درآورد."

فرزاد، کارگر جوان، در باره کارش می گوید:

"مشکلات زیادی داریم. سندیگا نیست که از حقوقمان دفاع کند. محل کار نداریم. من که خودم دیپلمه هستم، باید زمستانها بیگار باشم. مشکلات و کمبودهای کارگران این کارگاهها زیاد است. کودکان و نوجوانان کم سن و سال در شرایط بسیار سختی، محروم از لذت های دوران کودکی، به علت مشکلات مالی مجبور به کارهای سختی هستند. دولت باید با ایجاد محل مناسب کار و تأمین وسایل کار و کنترل دستمزدها کارگران، در راه رفع مشکل آنها کوشش کند. دولت باید بتواند با ایجاد شرایط مناسب از استثمار کودکان جلوگیری به عمل آورد."

اخبار کارگری

کارخانه نساجی رحیم زاده راملی کنید

خواست، سر آنها درمی آورد. کارگران این کارخانه حدود نهمصد نفر هستند، که در میان آنها کارگران زیر عمده سال رقم قابل ملاحظه ای را تشکیل میدهند. ناگفته نماند که تولید روزانه کارخانه چهار هزار بقمه نخ (هر بقمه ۴ کیلو) است. پس از پیروزی انقلاب، مهمترین مسئله برای کارگران، اخراج مدیر داخلی کارخانه بود. کارگران این موضوع را بار اول بصورت اعتراض شدید نسبت به دریافت عیدی در شب عید سال ۵۸ متجلی ساختند. آنها مدیر داخلی را مجبور کردند که با پرداخت عیدی کارگران موافقت کند. مسئله اخراج مدیر داخلی سرانجام با جریان دیگری عین شد و آنهم موضوع ملی شدن کارخانه بود.

بالاخره در اواخر سال گذشته مدیر داخلی و بقیه شرکا دستشان از کارخانه کوتاه شد و مدتی هم کارخانه بصورت شورایی اداره می شد، تا اینکه چندی پیش مدیر جدیدی برای اداره کارخانه انتخاب شد. کارگران معتقدند که مسئله مالکیت کارخانه هنوز حل نشده است و باید هر چه زودتر باین مسئله رسیدگی شود.

از اقداماتی که پس از پیروزی انقلاب در کارخانه صورت گرفته است، پیاده کردن و مونتاژ سیزده دستگاه ماشین رینگ است، که بجز چهار دستگاه آن، بقیه بدست خود کارگران انجام گرفته است. با پیاده کردن این ماشین ها روزانه مقدار زیادی نخ ۲۰ بر تولید کارخانه افزوده می شود. همچنین شیر، که از احتیاجات حتی کارگران ریسندگی است، روزانه به دوسالان حلاجی و شماره ۲ داده میشود، ولی کارگران از مسوولین امر می خواهند که هر روز بمقدار کافی شیر در اختیار تمام کارگران کارخانه قرار داده شود، تا آنها دچار بیماری سل نشوند. کارگران از مقامات مسوول تقاضا دارند که اقدامات لازم برای ملی کردن کارخانه انجام شود، تا آنها با خیال راحت به امر تولید بپردازند.

کارخانه رحیم زاده و شرکا یکی از قدیمی ترین و بزرگترین کارخانه های ریسندگی اصفهان است، که در ۱۲ جاده اصفهان - تهران قرار دارد. در این کارخانه تا قبل از پیروزی انقلاب همواره محیط خفقان حاکم بوده است. یکبار پس از کودتای خاشانه ۲۸ مرداد ۳۲، کارگران آن تصفیه شدند و از آن تاریخ تا پیروزی انقلاب، همیشه هرگونه حرکت کارگری در این کارخانه سرکوب شده است. این مسئله و زبان ناشی از آن امروز هم بچشم می خورد، به طوری که در انتخابات شورای سال قبل، دونفر از افرادی که در سندیگاهای فرامی نقش درجه اول داشتند، دوباره به نمایندگی شورای کارخانه انتخاب شدند.

یکی از کارگران بحق می گفت:

"سالهای گذشته هرکس که می توانست کاری انجام دهد، اخراج شد و حالا جای آنها خالی است" گذشته از عوامل خارجی در سرکوب فعالیت کارگران، آنچه که در خود کارخانه نقش درجه اول داشته است، وجود مدیر داخلی - که یکی از شرکا کارخانه هم محسوب میشده است - بود که حدود سی سال این سست را بر عهده داشت. این فرد را باید بحق یکی از مکارترین و سفاکترین کارفرمایان اصفهان دانست. کارگران از بیدادگری های این فرد سخن های بسیار می گویند. کارگری می گفت:

"در دوران رژیم سابق، وقتی او وارد سالن می شد، پیر و جوان می ترسیدند، چون کار او هیچ شوخی بردار نبود و بعضی شنیدن صدای اعتراضی، فرد متعزز را فوراً اخراج میکرد و حتی خود شخصا به تنبیه او می پرداخت. یکی دیگر از کارگران اظهار داشت:

"اگر ما به اداره کار هم شکایت می کردیم، او بسادگی می توانست علیه کارگر شاکای اعلام جرم کند" بسیاری از کارگران در نتیجه کار سنگین به بیماری فقر دچار شده اند. یکی از مدیرهای مدیر داخلی این بود که کارگرانی را که مشمول نظام وظیفه بودند، برای فرار از سربازی استخدام میکرد و چون آنها را در جای دیگر استخدام نمی کردند، هر بلایی که دلش می

با کار و زندگی رانندگان آمبولانس پزشکی قانونی آشنا شویم

سه سال پیش داده ایم. حتی بودجه آنها هم از طرف دولت سابق تعیین شد، اما هنوز خبری نیست. مثلا در نظر بگیرد که من باید به حسن آباد قم بروم و جسدی را تحویل بگیرم. اگر من بیسیم داشتم، می توانستم از اوضاع بیمارستانهای واقع در طول مسیر باخبر شوم و بعد از بازگشت به پزشکی قانونی، مجبور نیاشم دوباره به همان محل و یا نزدیک آن برگردم. این کار از جهت صرفه جویی در وقت، پول و همچنین جلوگیری از استهلاک بیشتر آمبولانس قابل توجه است. این خواست کوچک ما، که خیلی اهمیت دارد، از هر نظر که فکر کنید به نفع دولت است، ولی نمی دانم چرا به آن عمل نمی شود."

هدایت مهر اضافه کرد:

"ما فقط یک ماه در سال مرخصی داریم و مانند سایرین نمی توانیم از تعطیلات رسمی استفاده کنیم. حتی ایام عید هم همین جا بودیم. مافقط موقعی بیگاریم، که کسی نمیرسد. وای به حال کسی که بخواهد فقط با حقوق اینجا خرج خانواده اش را تأمین کند، آنوقت مثل من باید برای تهیه شیر خشک بچهاش دائما این در و آن در بزند"

هدایت مهر در پایان اظهار داشت:

"در شهری که دارای پنجاه و دو بیمارستان است، پنج آمبولانس به جایی نمی رسد. ناگفته نماند که حوزه عمل ما عبارتست از: حسن آباد قم، ورامین شمیرانات، کاروانسرا سنگی، رباط کریم و... از طرف دیگر راننده آمبولانس به دشواری قادر است به تنهایی جسد را در آمبولانس بگذارد. ما احتیاج به کمک داریم. چون برخی از جسد ها خیلی سنگین هستند و نمی توان آنها را به تنهایی حمل کرد. با اینهمه ما با فداکاری کار می کنیم، ولی چرا راننده فلان رئیس، که ساعت کارش همان ساعت کار جناب رئیس است (۹ صبح تا ۱۲) از همه مزایا برخوردار است؟ این ما هستیم که با همه ناملایمات سر و کار داریم، نه آنان"

در این هنگام، یکی از رانندگان، به نام - امیر نیک آمل، اظهار داشت:

"از کرم ما هم بنویسید"

وقتی جریان را جویا شدیم، گفت:

"چندی پیش یک نفر را کشته بودند و درگونی پیچیده بودند، وقتی برای آوردن جسد رفیقیم، تمام لباسان پر از کرم شد، چون جسد کرم زده بود. حتی در این اتاق هم از لباسان کرم ریخته بود. مسئولین اداره حتی یک روپوش در اختیار ما قرار نمی دهند، تا با لباس معمولی مرده را بلند نکنیم، تا با کثیفی که روی آن هزار جور کثافت است، به خانه نرویم"

هدایت مهر برای تکمیل سخنان همکارش گفت:

"به ما حتی دارویی برای ضد عفونی آمبولانس هم نمی دهند. دارویی که بوی نامطبوع مرده را از آمبولانس بزداید. این آمبولانس ها لانه انواع و اقسام میکرب است، ولی کسی گوشش به این حرفها بدهکار نیست"

یکی از رانندگان در مورد بیمه درمانی گفت:

"در این مورد به ما کمتر می رسند. چندی پیش که به بیماری سنگ کلیه دچار شده بودم. طبق نسخه پزشک باید از کلیه من عکس برداری می کردند ولی گفتند فیلم نداریم"

امیر نیک آمل (راننده آمبولانس) اظهار داشت که:

"اینجا ما خنده روبرو نیستیم و روزگار درست و حسابی نداریم. شما یکروز صبح زود به اینجا بیاید تا متوجه بوی زنده، جنازه ها شوید. تمام سر و تن ما هم این بوی را می دهد. بوی داروی مومیائی هم که همیشه مشام می رسد. چندی پیش کارمندی به نام غلامحسین رجوی هنگام مومیائی کردن، یک چشم خود را از دست داد"

او در ادامه سخنانش گفت:

"من اینجا ناراحتی اعصاب پیدا کرده ام. صبحانه که نمی رسمیم بخوریم. برای نهار هم بوی مرده و بوی سایر چیزهای استهلاقی ما را کور می کند. در اینجا خدمات رفاهی برای ما وجود ندارد. چندی پیش - پشت گردنم درد گرفت. به هر جا مراجعه کردم، گفتند این مرض تو علاج ناپذیر است و خواهی مرد. به ناچار تمام دارو و نوار را فروختم و به انگلستان رفتم. آنجا به من گفتند: از بس بار سنگین بلند کرده ای نخاع تو آسیب دیده است. به خاطر همین بیماری من فقط راننده آمبولانس هستم"

در پایان، هدایت مهر در مورد وضع آینده کشور گفت:

"برای مبارزه با آمریکا و بقایای رژیم گذشته باید پنج انگشت ما در یک ردیف باشند. باید استخوان و نا برابری زمان طاغوت از بین برود، یعنی همه متحد شوند. تنها با اتحاد است که کارها درست و رو برآه می شود. اگر تفرقه بیش از این ادامه پیدا کند، به شاقول می دهیم که عواقب وخیم و خطرناکی در انتظار ما خواهد بود"

ساختمان فعلی پزشکی قانونی در خیابان بهشت جنب پارک شهر تهران قرار دارد. وارد پزشکی قانونی که شدیم، بوی سرگیجه - آوری به مشام می رسید. به گفته کارکنان این مرکز، بو تا مدتی باعث سرگیجه و ناراحتی چشم میشود. وارد دفتر که شدیم، همه کارکنان از حضور ما در آنجا متعجب شدند و حق هم داشتند، زیرا که تا آن هنگام کسی برای جویا شدن از مشکلات آنها پای بدانجا ننهاده بود.

قیافه بیشتر کارکنان رنگ پریده و عصبی بود. کمتری خندیدند، ولی همه می خواستند از مشکلات خود بگویند. در آغاز با چند تن از رانندگان آن مرکز به گفتگو نشستیم.

مرتضی محمدی، سرپرست رانندگان، گفت:

"۲۷ سال است که در پزشکی قانونی کار میکنم پنجاه و نه ساله هستم و دو فرزند دارم. حدود چهار هزار و پانصد تومان حقوق دریافت می کنم، که پانصد تومان آن بابت مالیات کسر می شود. هزینه زندگی خانواده من روزی سیصد تومان است و برای اینکه بتوانم از پس هزینه زندگی برآیم، مجبورم به کار دیگری بپردازم"

تعداد رانندگان پزشکی قانونی چهار ده نفر است، که از این عده، پنج نفر راننده آمبولانس و بقیه رانندگان جیب هستند. کار آمبولانس آوردن اجساد از بیمارستانها و سایر نقاط تهران و حومه به این مرکز است. ساعات کار آنها از ۶ صبح تا بعد از ظهر است و روزهای جمعه هم کشیک دارند. علاوه بر آن، شبها هم به نوبت کار می کنند و از این بابت هیچگونه مزایایی به آنها تعلق نمی گیرد.

رانندگان جیب بزسکان را برای عیادت مجروحین به بیمارستانها می برند. یکی از رانندگان ثابت کشیک شب، به نام سید اسمعیل محمدی گفت:

"من تولد اراک هستم و در سال ۱۳۲۹ در این مرکز استخدام شدم. در حال حاضر ۵۲۷۰ تومان حقوق می گیرم. دارای هفت فرزند هستم. از بابت خانهای که در آن سکونت دارم، صد و پنجاه هزار تومان به بانک سپه بدهکارم. شب تا صبح اینجا هستم و شبانه روز فقط دو تا دو ساعت و نیم بیشتر نمی خوابم. روزها هم برای گذران زندگی با بیگان مسافر کشی می کنم. با این وجود، اگر دو فرزندم کمک خرج من نبودند، نمی توانستم به تنهایی از پس هزینه یازگراف زندگی برآیم"

از او پرسیدیم: پزشکی قانونی چه تفاوتی با گذشته کرده است؟

با ناراحتی گفت:

"هیچ، همان است که بود"

او در پاسخ اینکه رانندگان چه کمبودهایی دارند، گفت:

"چه بگویم، بیایید زندگی مرا از نزد یک ببینید. سه اتاق کوچک دارم، که دوازده نفر در آنها می خوابند. برنج کیلوئی پانزده تومان است. (تازه این قیمت فروشگاه تعاونی است). برای به دست آوردن گوشت از تعاونی، باید ماه به ماه مراجعه کنیم و در آن صورت با ایستادن در صف طویل ممکن است چیزی نصیبمان شود. از بقیه مواد غذایی نمی گویم، چون خودتان بهتر می دانید"

او اضافه کرد:

"ما از دولت می خواهیم که به ما توجه کند. از انقلاب انتظار داریم که به کار ما مستضعفین رسیدگی کند"

یکی دیگر از رانندگان، به نام محمد تقی - هدایت مهر، سر صحبت را باز کرد و گفت:

"ماهی سه هزار تومان حقوق می گیرم و مدت پانزده سال است که در اینجا کار می کنم. در اینجا بی قانونی بطور کامل حکمفرماست. به عنوان نمونه: طبق قانون کار باید برای کار در روزهای تعطیل دو برابر دستمزد روزهای معمولی بپردازند. در ضمن باید پول نهار به عهده اداره باشد، ولی در اینجا چنین نیست"

او اضافه کرد:

"باید مردم قیافه ما را در تلویزیون ببینند، ما باید به مردم بگوئیم که شب تاصبح با مرده ها هستیم و دیگر حال و حوصله درست و حسابی هنگام دیدار با زن و فرزندمان برایمان باقی نمی ماند. باید به مردم بگوئیم که اینجا جز اشک و آه و ناله چیز دیگری برای ما وجود ندارد. بگوئیم که ما هم در انقلاب شرکت داشتیم و به آن اعتقاد داریم. کتک خوردیم تا تیر خوردیم را از چنگ سربازان نجات دهیم. من خودم استاد نجات الهی رای بهیست - زهرا بردم و شاهد کشتار آن روز بودم"

هدایت مهر در زمینه کمبودهای رانندگان، این گونه توضیح داد:

"هالا تعداد پنج دستگاه آمبولانس برای تهران و... نیست. از این گذشته، این پنج دستگاه هم احتیاج مبرمی به بیسیم دارند. پیشنهاد آن را

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقایع انقلابی از زیر این بار نجات داد

در روستای امیر آباد بیضا

روستای امیرآباد در بخش بیضا، درجهل کیلومتری مرودشت قرار دارد. راه ارتباطی این روستا مانند تمام راههای این اطراف، مالرو و عبور و مرور در آن، خصوصاً در زمستانها، عملاً غیر ممکن است. در این روستا حدود ۵۵ خانوار زندگی میکنند، که از این عده حدود ده خانوار خوش نشین و بقیه کم زمین هستند. از ۲۵ هکتار اراضی مزروعی این روستا، ۱۷۰ هکتار متعلق به ۴۵ خانوار کم زمین است.

در اینجا نیز مسأله زمین مهمترین معضل است و کم زمین کشاورزان، تمام موضوعات دیگر راحت تاثیر قرار داده است. پس از اصلاحات ارضی طاغوتی، برای ۴۵ خانوار بطور متوسط کمتر از دو هکتار زمین دیم رسیده است. لازم است بگوییم، که در همان "اصلاحات" نیز مالک ازدادن در حدود ۳۰ هکتار زمین، که مطابق همان قانون به روستائیان تعلق می گرفت، خود داری کرد.

بادهقانی، که در روستای زمین مالکی مشغول کاشت نشاء گوجه فرنگی است، صحبت می کند:

من خودم در سنه ۴۱ صاحب نسق بودم و در روستا زراعت می کردم، ولی با اصلاحات ارضی صاحب تنها یک هکتار زمین شدم، که سند آنهم هنوز در دستم نیست و مالک با حقه بازی مرا گنج کرد. یا اینکه در همین ده پنج برادر هستند، که در موقع اصلاحات ارضی به آنها فقط سه هکتار زمین تعلق گرفت. یکی از این برادرها به دهی دیگر رفته و در آنجا کاری می کند و این چهار برادر هم اینجا بر روی زمینهای مالک ده کار میکنند. ما برای گذران زندگی در روی این زمینهای مالکی بصورت سهم کار می کنیم و در آخر سهم نصف برمی داریم. ما باید شش ماه از سال را شب و روز سوزیم. ما باید روزها کار کنیم و شبها مواظب آب باشیم. پارسال مالک از فروش گوجه فرنگی و طابقی صد هزار تومان سود خالص برد، که نصف آن را به ما در عوض شش ماه، یعنی برای هر نفر در ماه کمتر از دو هزار تومان نمی رسد. من هفت سرعالتله ام. با این پول چطور می توانم از پس خرج و مخارج بیایم. خوش نشینان این روستا اکثراً در اطراف تل بیضا روی زمینهای ملکی کار می کنند و حتی ما هم به آنجا نمی توانیم خانوادهاشان را بیاوریم. این روستا، مانند تمام روستاهای دور افتاده، از تمام وسایل بهداشتی محروم است. آب لوله کشی ندارد و آب مصرفی روستا از یک چشمه نامیسن



گل محمد در قریه میق از توابع هریس (تبریز) زندگی می کند. گل محمد سالهاست که برای تولید کشاورزی زحمت کشیده، اما او کماکان مانند سالهای جوانیش آماده کار و فعالیت است. گل محمد از کمبود و گرانی مواد غذایی شکایت دارد.

می شود. برق و حمام ندارد و وضع راه ارتباطی اش، که دیگر از همه بدتر. در این روستا یک دبستان چهار کلاسه وجود دارد، که بهجهای روستا در آن درس می خوانند. روستا زادگان زمستان را بطور منظم به کلاس میروند، ولی تابستان را به کار در مزرعه یا جمع آوری علفهای صحرایی همراه مادران خود مشغولند. دهقانان از لحاظ جمعیت، اکثریت جامعه را تشکیل می دهند. اگر مشکلات آنها، که بطور عمده مسأله زمین و راه و آب و بهداشت است حل شود، می توانیم بگوییم که سر نوشت انقلابمان را در دستهای قوی و مطمئن سپهسته این دهقانان زحمتکش قرار داده ایم، تا آنها، آنرا در قلب روستاها محکم کنند. با این عمل، هم زنجیرهای وابستگی گسسته و هم جلوی توطئه های مالکان و زمینداران بزرگ گرفته می شود.

در انتظار هیئت هفت نفره

روستای درکاجی از بخش لیتکو، واقع در شهرستان آمل، در استان مازندران، ۲۷ خانوار جمعیت دارد. دهقانان این روستا برای بدست آوردن زمین و آب علیه مالک دست به یک راهپیمایی زدند، که در آن دهقانان بی زمین و کم زمین و دهقانان خرده ها، شرکت داشتند. با تاکید بر اتحاد دهقانان و با شعار درود بر مستضعفین این راهپیمایی پایان رسید.

در این راهپیمایی، دهقانان خواستار واگذاری زمین مالک به دهقانان بی زمین و کم زمین و رفع هرگونه ظلم و ستمی از طرف مالک شدند. اکنون وظیفه، برپا و هیئت ۷ نفری است، که در عمل به این خواست حقه پاسخ گوید.

بازماندگان شهدای ۲۲ آذر در انتظار مجازات قاتلین

* قاتل مشهیدی محمد اهل تلندر را مجازات کنید

در نتیجه حمله ارتجاع در ۲۱ آذر سال ۱۳۲۵، عده ای از جوانان و فئودالهای منطقه، بیاری ارتجاعیون و رژیم خونریز شاه سابق شتافتند. حاجی بهرام یکی از این فئودالها بود که سالها خون دهقانان را مکیده بود و دهقانان اطراف اهر هنوز جنایات این شخص را بخوبی یاد دارند. از جمله جنایات این شخص به شهادت رساندن مشهیدی محمد دهقان، اهل روستای تلندر، یکی از مسئولان فرقه دمکرات آذربایجان بود.

سی سال گذشت و جنایتکاران فکر می کردند که خون دهقان شهید را لوث کرده اند. بعد از انقلاب، یکی از نوه های مشهیدی محمد از این جریان شکایتی تهیه کرد و تحویل سپاه پاسداران داد. سپاه پاسداران نیز با دستگیری این شخص وی را تحویل دادگاه انقلاب اسلامی داد. دادگاه پس از تنظیم پرونده ای، شخص فوق را بقید ضمانت آزاد کرد و پرونده را برای تحقیق بیشتر به مرکز استان فرستاد. اکنون عدالت چشم براه آنست که رژیم جمهوری اسلامی ایران تقاضای خون دهقان شهید، مشهیدی محمد، را بازستاند. در ضمن آنها خواهان تامین سایر قداره بندگان و عناصر سرسپرده امپریالیسم، که در گذشته با قتل و جنایت، رژیم ضد ملی و ضد خلقی محمد رضا را تثبیت کردند، باید محاکمه و مجازات شوند. خانواده های قربانیان این فجایع، در انتظار اجرای عدالت هستند.

در روستای درونک، از توابع دیلم: زمین خوب برای مالک زمین شوره زار برای دهقانان ستمدیده

زمین شوره زار برای دهقانان ستمدیده

در هر روستای کشور که بامی گذاریم، صحنه ای از بدبختی، عقب ماندگی و ظلم و ستم بزرگ مالکی مشهود است و برای آنکه ظلم و فقر و تنگدستی از چهره روستاها زدوده شود، اولین و مهمترین اقدام باید برچیدن فوری بساط بزرگ مالکی باشد. درونک ریدون هم، مانند صدها و هزاران روستای دیگر، نمونه ای است از فقر و عقب ماندگی ناشی از دوران سیاه محمدرضا شاهی.

مالک ده، تمام ۵۰۰ هکتار زمین مرغوب را تصرف کرده و شوره زارهای نامناسب برای دهقانان مانده است. این ارض شوم زمان طاغوت هنوز هم باقی است و دهقانان بصیرانه چشم انتظار هیئت ۷ نفری برای زدودن آن هستند.

مالک بزرگ و سرمایه دار این ده، دارای یک شرکت مفاقه کاری است. این شخص علاوه بر تصرف زمینها، برای اینکه بتواند مانند گذشته به دهقانان ظلم کند، دست به تهدید و تطمیع گروهی از آنها زده و مانند یک منبع فساد باعث تفرقه و تشنج درده شده است. اوصح دهقانان را در کاشت و برداشت محصول پایمال می کند. بخاطر انشعاب مستقیمی که از آب و برق دارد و مصرف بیش از حد آنها، عملاً دهقانان را از داشتن آب آشامیدنی و برق محروم کرده است. حتی تنها دهستان ده را با تهدید و ارباب، تعطیل و فرزندان دهقانان زحمتکش را از تحصیل محروم کرده است. بساط خانقانی و قدرت شیطانی او بحدی بود که قبلاً ازدواج درده، به اجازه مالک انجام می گرفت! دهقانانی که غیر از کار کشاورزی کار دیگری میکردند، مالک درصدی از مزد آنها را بزور می گرفت.

بخوبی پیداست که نظام قرون وسطایی ستم و

گذری به روستا

غارت در تمام ابعاد و مظاهر خود حاکم بر این ده بود. اما دهقانان حالا دیگر حاضر به پذیرش خود سربها و اعمال قرون وسطایی این مالکنیستند. بهمین جهت در مقابل کارهای ضد دهقانی او مقاومت می کنند، بطوریکه مالک غاصب و برادرانش در یک درگیری و حمله مسلحانه دهقانان ستمدیده، دو تن از روستائیان را بافتن زخمی می کنند.

شکی نیست که مالک با این اعمال میخواهد اتحاد و همبستگی دهقانان را از بین ببرد و مانند دوران گذشته به مطامع غیر انسانی خود برسد. در صحبتی که با یکی از دهقانان داشتیم، می گفت: "با وجود اعمال ضد انقلابی مالک و برادرانش، مانند: تجاوز به حقوق ما، تعطیل مدرسه ده، تحریک و ضرب و جرح و ایجاد تشنج، چرا دستگیر و مجازات نمی شود؟"

دهقانان، که یک عمر زیر ستم رژیم سابق برده و با آن مبارزه کرده اند، اکنون که بیش از یک سال و نیم از انقلاب می گذرد، بحق میخواهند بدانند که، چه دستهایی در کار است که از دستگیری این مالک زورگو جلوگیری میکند و با وجود تسلیم شکایت روستائیان به دادگاه انقلاب اهواز، هنوز هم آزادانه به اعمال ضد انقلابی خود ادامه میدهند؟

چرا هنوز هم نظام فئودالی برچیده نشده و تاکی چشم دهقانان باید به راه هیئت ۷ نفری باشد؟ مسئولین دادگاه انقلاب اهواز باید به خواست دهقانان این ده رسیدگی فوری کنند. باید با ضد انقلاب، که ایجاد درگیری و تشنج در گوشه و کنار میهن عزیزمان می کند، قاطعانه برخورد و آنرا سر کوب کرد.

گزارشی از روستا

حسین آباد، روستای رنج

در حسین آباد درمانگاه وجود ندارد و روستائیان در صورت بیماری باید به شهر شیراز بروند. در اطراف روستا تعدادی آبخیز وجود دارد، که بهترین مکان برای رشد پشه، مالاریا است. از ۷۰ خانوار اهالی این روستا حدود ۱۳ نفر آنها خوش نشین هستند و بقیه روستائیان خرده مالک اند.

در حدود ۷۰ هکتار زمین، که از کنار جاده تا کنار رودخانه قره قاج ادامه دارد، متروکه و بایر مانده است، که میتوان بصورت مالکیت مشاع در اختیار دهقانان قرار داد.

زمینی به مساحت ۴۰۰ هکتار رایک حاجی تصاحب کرده که قبلاً بصورت سهمی (۴ سهم روستائیان - یک سهم مالک) با اضافه صدی پنج مالک، آن را می کاشتند، ولی بعد از انقلاب روستائیان از این کار خودداری کرده اند و سهم مالک را نمی خواهند بپردازند. آنها شکایتی نیز تنظیم کردند و به شهر بردند و آن را تحویل مقامات استانداری دادند. ولی با اعمال قدرت مالک، تمام اکتشافات کشاورزان بی نتیجه ماند و هنوز بلا تکلیفند.

هر کدام از دهقانان در حدود یک هکتار زمین دارند، که با کمک هم یک کانال آب حفر کرده اند، تا از آب رودخانه جهت صیفی کاری استفاده کنند. در روستا شورا وجود ندارد. علت آن هم این است که مالک، که ساکن روستای ملک آباد است، حدود ۳۰ خانوار از اهالی روستای حسین آباد را به طایفه ای دارد و از آنها بهره مالکانه کمتری نسبت به دیگران می گیرد. او بر این اساس بین روستائیان تفرقه انداخته و بوی اعتمادی و سوظن در بین آنها برقرار کرده است.

نبودن شورا، در کارهای اجتماعی روستا وقفه ایجاد کرده است. روستائیان با وجود رودخانه ای بزرگ در کنار روستا، با کمبود آب برای کشت و پرور هستند. آنها اکثراً برای بدست آوردن تکه نانسی روانه شیراز میشوند و در آنجا ۳/۵ - ۴ ماه به کارهای ساختمانی مشغول میشوند و بقیه سال را با بسا این روستا محتاج زندگی بسیار گران و کمیاب است و روستائیان شدیداً به این مسئله اعتراض دارند.

دهقانان تاکنون سابقه مشیت و ستم خوبی در زمینه تعاون و همکاری دارند. آنها برای حفر کانال آب، برای خرید موتور برق، برای لوله کشی درون ده با یکدیگر همکاری کرده اند. آنها باید بر تفرقه اندازی مالک از طریق روابط طایفه ای غلبه کنند و شورای ده را بوجود آورند. بسیاری از مسائل آنها با امکانات و اختیارات شورای ده حل شدنی است. برای آنکه شورا مردمی باشد و بتواند خوب عمل کند و زیر نفوذ مالک نرود و متحرک و فعال باشد، باید دهقانان آگاه، که تاکنون اینهمه فعالیت تعاونی و همکاری داشته اند، اتحادیه دهقانی افراد داوطلب را تشکیل دهند.

روستای حسین آباد در ۳۰ کیلومتری شیراز در کنار جاده شیراز - بوشهر قرار دارد. این روستا در حدود ۳۰۰ نفر جمعیت (۷۰ خانوار) دارد و ۴ خانوار عشار نیز مدت ۳ سال است که در این روستا ساکن شده اند.

رودخانه قره قاج از کنار این روستای گذرد و بین روستا و مزارع حائل شده است. روستائیان برای رسیدن به مزارع هر روز باید از این رودخانه عبور کنند. در ضمن روستائینی که در بخش کومره ساکن هستند، برای رفتن به شهر باید از این رودخانه بگذرند. در زمستان، که آب رودخانه بالا می آید، عبور از آن غیر ممکن میشود. عبور از رودخانه و از میان آب سردان، اکثر روستائیان را به استخوان درد مبتلا کرده است.

در یک کیلومتری روستا یک کارگاه ماسه شویی است، که سه سال پیش بارشوه گیری مقامات استان داری و ژاندارمری آغاز بکار کرد. بعد از مدتی ماسه برداری از کف رودخانه، سطح آب در رودخانه پایین رفته و در نتیجه آب به مزارع نمی رسد. این مسأله به روستائیان از لحاظ اقتصادی لطمه فراوانی زده است. بعد از پیروزی انقلاب کارگاه ماسه شویی تعطیل شد.

روستای حسین آباد دارای یک دبستان است، که در آن ۳۶ کودک درس می خوانند. روستائیان حسین آباد، در گذشته، بعلت بی اعتمادی به سپاهیان دانش، خواهان معلم عشاری برای آموزش کودکان خود بودند، تا نوجوانان روستایی کم بضاعت نیز بتوانند بعد از وارد دبیرستان عشاری در شیراز بشوند. اکنون روستائیان از کار آموزگاران راضی اند، اگرچه ۱۳ نفر از روستائیان کودکانشان خود را به روستای مجاور، که دبستان عشاری دارد، فرستاده اند.

شیشه های دبستان حسین آباد شکسته است و پنجره ها را برای جلوگیری از نفوذ سرما و گرد و خاک با مقوا پوشانده اند. در روستا برق وجود ندارد. چند نفر از روستائیان، کمک هم، یک موتور گازوئیلی برای تولید برق خریدند، که این موتور بعد از چند ماه از کار افتاده و فعلاً بودجه ای برای تعمیر آن نیست.

در روستا آب لوله کشی وجود ندارد. روستائیان بعد از چند بار مراجعه به شهر و مقامات مشغول توانستند از جهاد سازندگی قول همکاری بگیرند. قرار شد که روستائیان ۲۰ هزار تومان از کل هزینه (۱۴۰ هزار تومان) را خود تامین کنند. در ضمن کانالهای لوله کشی را روستائیان و بقیه کارها را جهاد تقبل کرد. روستائیان به وعده خود وفا کرده اند، ولی هنوز جهاد سازندگی بعد از حفر یک چاه، که نیمه کاره است، و نصب منبع، کار را تمام نکرده است. روستائیان از نظر آب آشامیدنی شدیداً در مضیقه اند.

در این روستا حمام وجود ندارد. فعلاً برای استحمام باید به روستای خانه زنان، که در یک فرسخی حسین آباد قرار دارد، رفت.



اگر و گانه مسئله آمریکاییستند، مسئله اصلی سرکوب انقلاب ایران است

در مطبوعات کشور

بر طبق آخرین اطلاعات مکشوفه از توطئه اخیر چند نکته مهم دیگر نیز روشن گردیده است. برای مثال روشن گردیده است که یک نقش عمده در این توطئه ایجاد جنگ روانی بوده است و ایستگاههای رادیویی که هر دو در مصر قرار دارند و یکی در الکساندریا و دیگری در جایی در کنار کانال سوئز قرار دارد برای این مقصد مورد استفاده قرار گرفتند و تبلیغات برجنگال این رادیوها، بنا بر گزارش روزنامه "نیویورک تایمز"، اکثراً بر کوچک کردن نقش آیت الله خمینی در رهبری انقلاب ایران میباشند. در این تبلیغات آنها اینگونه مردم را ترغیب به شورش مینمایند. "اسلحه بدست گیرید و برای آزادی ایران نبرد کنید" و همچنین آنها مردم را تشویق مینمایند که اعلام نماید به اختیار مشغول سازماندهی نیروهای ضد خمینی در ایران میباشند. تصمیم استفاده از رادیوهای مصر برای تبلیغات منحرف کننده بر علیه رژیم ایران در دسامبر ۱۹۷۹، در جلسه‌ای که با نظارت برزیل در کاخ سفید تشکیل شد، اتخاذ گشت.

همچنین نباید نقش عمده مصر را در کوششهای آمریکا بر علیه ایران از نظر دور داشت. بعد از سقوط شاه، کارتر در ساعات یک دوست و متحد نزدیک در منطقه را یافت و هم اکنون سیل اسلحه آمریکا که قبلاً به سوی ایران روانه بود بطرف مصر منحرف گشته است. فانتومها، تانکهای سنگین، انواع آتشبار و مهمات ماندنی سیل روانه مصر گشته‌اند. روزنامه "الهدف" چاپ کویت مینویسد که موشکهای تام هاوک و پریستینگ که در مصر استقرار یافته‌اند، میتوانند هدفهایی در ایران، افغانستان، چین جنوبی، واتیوی، را مورد اصابت قرار دهند. مصر همانند ایران قبل از انقلاب بصورت انبار مهمات آمریکا درآمده است.

سادات حتی شاه را در خوش خدمتی به آمریکا روسفید کرده است. در مصاحبه‌ای با تلویزیون زاپس او اظهار میدارد که حاضر است هرگونه تسهیلاتی را برای دستیابی به خلیج فارس و پانجات گروگانها در اختیار آمریکا بگذارد. اگر او قدری شجاعتر میبود در این مصاحبه اعلام مینمود که از هم اکنون تمام تسهیلات ممکنه را در اختیار پنتاگون قرار داده است. فرودگاههای مصر در حمله نافرجام نظامی آمریکا به ایران در ماه آوریل مورد استفاده هواپیماهای سی ۱۳۰ قرار گرفته بود. در نتیجه سادات شریک جرم مستقیم آمریکا در این حمله علیه ایران میباشند. هم اکنون

پایگاه هوایی مصر در کنار تحت نام عملیات ترمینی مشترک با نیروی هوایی مصر که قرار است سه ماه بطول انجامد، مورد استفاده فانتومها و بمبافکنهای آمریکایی میباشند. هدف از این ترمینات، آنگونه که برخی از روزنامهها اظهار میدارند، در اختیار قرار دادن فرصتی به نیروهای آمریکایی برای ترمین عملیات جنگی در مناطق صحرایی و بررسی امکان استفاده از منطقه تحت کنترل مصر برای ایجاد پل هوایی برای انتقال نیروهای ویژه مدافع خلیج فارس میباشند. آمریکا در صورت لزوم به منطقه خلیج فارس میباشند. اینطور به نظر میرسد که آمریکا سعی داشت به انجام این ترمینات به کودکانگران ایرانی، که در مرحله انجام مقاصد خویش بودند، دلگرمی بدهد.

مادر مورد نقش اسرائیل نیز از این کشور همچنان به کمکهای مالی و تسهیلاتی خویش به ماوران ساواک برای عدم استقرار یک نظام سیاسی در کشور ادامه میدهد. با توجه به مدارک مستدلی که از عاملین کودتای جولای بدست آمده، رهبران ایران اسرائیل را متمم به شرکت مستقیم در این توطئه نمودند. آمریکا برای برآوردن مقاصد خود در انجام عملیاتی علیه ایران دست به یک مانور انحرافی جدید زد، بدین ترتیب که ۱۸۰ نفر از نمایندگان کنگره آمریکا در نامه‌ای خطاب به نمایندگان مجلس ایران تمایل خود را برای حل اختلافات موجود اعلام نمودند و رئیس و سخنگوی مجلس هاشمی رفسنجانی بعد از اتمام قرائت نامه در مجلس آمریکا راضی به دروغگویی نمود و اظهار داشت که این نیتها در برداشتن قدمی در حل بحران گروگانها کمکی نمیکند، بلکه به اوج گیری این بحران کمک مینمایند. او دلیل را نیز حادثه طیس، توطئه ماه جولای و فشار آمریکا بر متحدانش برای شرکت در تحریم اقتصادی ایران ذکر کرد.

آنطور که ما معتقدیم، مسئله اساسی که باعث بروز اختلاف میان ایران و آمریکا شده است مسئله گروگانها نمیباشد. مسئله اساسی سعی آمریکاییها در قیمت برای سرکوبی انقلاب و بدست آوردن موقعیت از دست رفته میباشند، ولیکن طرحهای آمریکا با توجه به امکانات موجود و احتمال وقوع آنها، به شدت مورد تردید میباشند.

از نیویورک (هفته نامه چاپ شوروی) (اطلاعات، ۲۵ شهریور ۵۹)

تحریریه

بقیه از صفحه ۳

داران روسی در ایران واگذار شده بود، رسماً تأیید و مسجل کرد، رژیم کابینولاسیون را، که از سوی دولت امیرالیستی به ایران تحویل شده بود. ملتی نمود، اموال دولتی تزاری و سرمایه داران روسیه، همچنین ذخیره بزرگی را از اوراق بدهکار موجود در ایران را بلا عوض به مردم ایران واگذار کرد.

در این پیمان، که مورد غضب آقای اندک همایون الهی قرار گرفته، عدم مداخله در امور داخلی طرفین رسماً تأیید گردید. امضای این پیمان بدولت ایران امکان داد تا ۷ سال بعد (در سال ۱۳۰۶) لغو کابینولاسیون را با دیگر دولت‌های امیرالیستی، از جمله انگلستان، مطرح کند.

پیمان، موافقتنامه‌های دیگری در رشته‌های بازرگانی و گمرکی و غیره بین دولتین ایران و شوروی به امضا رسید، که طبق این موافقتنامهها شرکت‌های مختلفی مانند شرکت بنه ایران، شرکت ابریشم ایران، نخستین ایستگاه نیرومند رادیویی و غیره در ایران تاسیس گردید که آقای دکتر همایون الهی "فراموش" کرده‌اند از آنها نامی ببرند. بی تردید اگر ماهیست ضد خلقی رژیم پهلوی نبود، از امکانات گسترده کشور شوروی بمراتب بیشتری از آنچه که به نفع رند و ترقی همه جانبه جامعه ایران استفاده شد، ممکن نبود بهره گیری کرد.

۳- بالاخره آقای دکتر همایون الهی به دوران جنگ جهانی اخیر و پس از آن می‌رسد. اینجاست که آقای استاد دانشگاه، ماهیت همه "پیش تاریخ" خود را، که ساخته و پرداخته بورژوازی امیرالیستی است، آشکار می‌سازد. امروزه کمتر کسی است که نداند دولت شوروی به قیمت ۲۰ میلیون تلفات در جنگ علیه فاشیسم هیتلری نه تنها ایران، بلکه جهان را از خطر این طاعون مهلک نجات بخشید. اما آقای دکتر همایون الهی متفاد است که، در نتیجه همکاری دولت متحد علیه فاشیسم آلمان در جنگ جهانی و شکست هیتلر "یکبار دیگر ایران قربانی سیاست استعمار رهیبران کوملین قرار گرفت!" با چنین "پیش تاریخ" البته تعجب نیست که در این مقاله، هر جا که از "آلمان" سخن به میان می‌آید، حتی یکبار هم شده باشد از "فاشیسم" ذکری نشده است. برعکس نویسنده... است که گویند در سال ۱۳۱۹ "وزیر خارجه" روسیه شوروی... در ملاقاتهای محرمانه خویش (که ایشان از آن خبر یافته‌اند!) مصر از مقامات آلمانی انتقاد یک قرارداد محرمانه (!؟) را درخواست نمود، که در آن تمامی خاک ایران بعنوان منطقه نفوذ روسیه شوروی به رسمیت شناخته شود.

بررسی تاریخی آقای استاد دانشگاه آنجا به "اوج" خود میرسد که، بالحنی تاترانگیز مینویسد: "بار دیگر دیوار قدیمی، یعنی انگلستان و روسیه شوروی در جبهه مشترکی بر علیه آلمان متعهد

نحوه پاکسازی در آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری بسود انقلاب نیست؟

انقلاب است ولذا با قاطعیت و پیگیری باید دنبال شود پاکسازی گروه چهارم از دو سو به تضعیف انقلاب می‌انجامد. از سوی نیروهای را که می‌خواهند و میتوانند با استفاده از تخصصشان در خدمت انقلاب، مردم انقلابی ایران باشند، کناری گذارد و در نتیجه انقلاب را از داشتن جمعی از خدمتگزاران خود محروم می‌کند، و از سوی دیگر به نارضایتی دامن می‌زند و زمینه سوء استفاده ضد انقلاب را فراهم می‌سازد. با توجه به هشدارهایی که تاکنون چه از سوی حزب توده، ایران و چه از سوی سایر شخصیت‌های مذهبی و سیاسی و بخصوص حجت الاسلام خامنه‌ای امام جمعه تهران درباره توطئه به آشوب کشاندن و تعطیل مدارس در اول مهرماه، داده شده است ما بار دیگر توجه مقامات مسئول را به تجدید نظر در روشهای خود برای پاکسازی جلب می‌کنیم و هشدار می‌دهیم که نتیجه این گونه اعمال، آگاهانه یا ناآگاهانه، خواسته یا ناخواسته، تنها یاری رسانیدر به آن گروه‌هایی است که از "جبه" و راست می‌خواهند محیط آموزشی کشور را به آشوب بکنند و هرج و مرج و ناامنی را جانین محیط سالم، آرام و سازنده کنند.

نحوه پاکسازی در استان چهارمحال بختیاری و بخصوص در آموزش و پرورش این استان، که در راستای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران نیست منجر به ایجاد تشنج در منطقه شده است. به موجب برنامه مسئولین پاکسازی اداره‌های دولتی، پاکسازی شامل ۴ گروه می‌شود، گروه اول، ساواکیها هستند (که آنهم بطور کامل و مبره‌های اصلی مورد نظر نیست) که مجازات آنها انفسال از خدمت در نظر گرفته شده است، گروه دوم رستخیزی‌ها هستند که مجازات این دسته باز شسته شدن تعیین شده است. گروه سوم، کسانی هستند که به دلیل "عدم صلاحیت" شامل پاکسازی می‌شوند، این دسته معنادین، فاسد اخلاقها و دزدان و غارتگران بیت‌المال را، در برمی‌گیرد، مجازات این دسته نیز باز شسته شدن تعیین شده است، گروه چهارم عناصر انقلابی و هوادار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، و از جمله اعضا و هواداران حزب توده، ایران هستند که با عنوان "انحراف فکری"، "ضدانقلاب" و "محرک" شامل پاکسازی می‌شوند. جالب توجه است که مجازات این دسته، انفسال از خدمت است، یعنی همان مجازاتی که در مورد ساواکیها تعیین شده است. به نظر ما، در حالی که پاکسازی سه گروه اول بسود

بندر تر کمن برای ۳۰ هزار جمعیت

فقط ۶ پزشک دارد

په مشکلات بندر تر کمن هر چه زودتر رسیدگی کنید

بهبود در وضع بهداشت و ایجاد بیمارستان و اسفالت جاده، از خواست های عمده مردم "بندر تر کمن" است. "بندر شاه"، پس از پیروزی انقلاب، به "بندر تر کمن" تغییر نام داد، و سپس، با تصویب شورای انقلاب، به "شهرستان بندر تر کمن" تبدیل شد، شهرستانی که در حدود ۲۰ هزار نفر جمعیت دارد. اکثر مردم شهرستان، و بقیه فارس، ترک و قزاق هستند. اهالی تر کمن بیشتر به کارهای کشاورزی، دام پروری و صنایع دستی روزگار خود را می‌گذرانند. شهرستان "بندر تر کمن" دارای یک کارخانه روغن، دو کارخانه پنبه پاک کنی و چهار کارخانه آرد است.

علاوه بر آن، جزیره "آشوراده"، که در کنار شهرستان "بندر تر کمن" واقع شده تعداد زیادی از کارگران سلیات را در خود جای داده است، که اکثر آنها در رژیم شاه سابق از آذربایجان مجبور به مهاجرت شده‌اند.

در یک کلام، بندر تر کمن، شهرستانی است، زحمتکشانی که اکثر کارهای فصلی روزگاری گذرانند و تنها به خرج خانواده خود کمک می‌کنند. محصول کشاورزی در این منطقه گندم، جو، پنبه، خربزه و هندوانه است. ماهگیری و خویار که از صادرات مهم مردم زحمتکش این شهر به سایر نقاط ایران است، در کنار کشاورزی وجود دارد. بندر تر کمن هم مانند همه جای ایران از "تمدن بزرگ شاهانه" ۱۰۰ سهمی غیر از محرومیت بهره‌است. در این شهر تنها یک بهداری و یک درمانگاه متعلق به شیر و خورشید وجود دارد، که هیچ کدام از آنها برای بستری کردن بیمار تخت ندارند. برای ۲۰ هزار نفر جمعیت این شهر و روستاهای اطراف آن و همچنین بخش کیشان، که رویم ۳۰ هزار می‌شوند، تنها ۶ دکتر عمومی وجود دارد.

از نظر بهداشت وضع شهر سخت نامطلوب است. جوی آب کنار خیابانها همیشه لابلاب از آسفالو کثافتاتی است که خیل پشه و مگس بر فراز آن پرواز می‌کنند. و این امر باعث شیوع بیماریهای گوناگون می‌شود.

اکثر کوچه‌های شهر اسفالت نشده است. به همین علت زمستانها گل و لای همه جا می‌گردد. راههای "بندر گز" و "گمش تپه"، که به "بندر تر کمن" متصل است، به علت نبودن اسفالت و خاکی بودن جاده، مشکلات زیادی برای مسافرین به وجود می‌آورد.

صداها نفر، که هر روز از راه "گمش تپه" از روستاها و بخش های اطراف، به این شهر می‌آیند، تابستانها با گرد و خاک و زمستانها با گل و لای و دست اندازهای میان راه دست به گریبانند. رسیدگی به وضع بهداشت و ایجاد بیمارستان و اسفالت جاده و خیابانها از خواست های عمده اهالی این شهر است.

عموم مردم این شهر چشم به راه اقدامات مسئولین جهت برطرف کردن مشکلات این شهر هستند.

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکائی) ضرورت انقلاب ایران است

در جهان سوسیالیسم

تولید صنعتی «شورای همیاری اقتصادی» دو برابر «بازار مشترک» است

آهنگ رشد اقتصادی کشورهای "شورای همیاری اقتصادی" از کشورهای سرمایه داری پیشرفته است. درسی سال گذشته درآمد ملی کشورهای عضو شوراهای برابر تولید صنعتی آنها ۱۵ برابر شد. این ارقام بترتیب ۲/۴ و ۳ برابر بیکرهای مشابه در کشورها، پیشرفته سرمایه داری است.

کشورهای عضو "شورا" اینک ۲۵ درصد درآمد ملی جهان را تولید می‌کنند. در حالیکه در سال ۱۳۲۹، این کشورها فقط ۱۹ درصد تولید جهانی را تأمین می‌کردند. اکنون این رقم به ۳۳ درصد رسیده است. در این مدت تولید صنعتی سرانه کشورهای "شورای همیاری اقتصادی" هشت برابر شده است. رقم مشابه در سطح جهانی ۳/۶ است.

سه دهه پیش، کشورهای عضو "شورا" نمی‌توانستند از نظر توان اقتصادی با کشورهای اروپا، باختری رقابت کنند، اما اینک وضع به کلی تغییر یافته است.

جدول زیر درصد فزونی تولید برخی از فراوردهای ده های صنعتی "شورای همیاری اقتصادی" را مقایسه با ارقام "بازار مشترک" نشان میدهد.

فراورده صنعتی	درصد فزونی
نیروی برق	۳۰
گاز	۱۸۰
ذغال سنگ	۲۰۰
فولاد	۵۰
اسید سولفوریک	۵۰
سیمان	۴۰
منسوجات پشمی	۳۰
گش جرمی	۶۰
سولز	۱۶۰

مجموع تولید صنعتی "شورای همیاری اقتصادی" دو برابر تولید صنعتی "بازار مشترک" است.

در جهان سرمایه داری

کاهش بارآوری کار در کشورهای پیشرفته سرمایه داری

به موجب آماری که "نیورویک" در شماره ۱ شهریور ۱۳۵۹ خود منتشر ساخته است، بارآوری کار در بیشتر کشورهای پیشرفته سرمایه داری روبکاهاست. بارآوری کار در ایالات متحده، اکنون فقط پنجاه درصد رقم مشابه در بیست سال پیش است. جدول زیر اطلاعات بیشتری در این زمینه بدست میدهد.

کشور	۱۳۳۹-۴۵	۱۳۴۶-۵۲	۱۳۴۷-۵۸
کانادا	۴/۳	۴/۹	۲/۸
ژاپن	۸/۵	۱۰/۰	۴/۲
ایتالیا	۷/۳	۶/۶	۳/۳
جمهوری فدرال آلمان	۵/۸	۵/۰	۵/۰
فرانسه	۵/۴	۵/۷	۵/۱
بریتانیا	۴/۱	۳/۸	۰/۶
ایالات متحده	۴/۲	۲/۹	۲/۱

وحدت دو کشور سوریه و لیبی بر پایه مواضع ضد امپریالیستی و پایداری در برابر سیاست تجاوز کارانه اسرائیل

روز نوزدهم شهریور، سوریه و لیبی رسماً اعلام کردند که یک کشور واحد را تشکیل خواهند داد. در اعلامیه‌ای که پس از دیدار ۴۸ ساعته حافظ اسد رئیس جمهور سوریه از لیبی انتشار یافت، آمده است: «ما وحدت کامل دو کشور را در تمام زمینه‌ها از جمله سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی اعلام می‌داریم». در اعلامیه مشترک سوریه و لیبی گفته شده است که حافظ اسد رئیس جمهور سوریه و قذافی رهبر لیبی موافقت کردند طرف یکماه یک دولت واحد برای کشور متحد سوریه و لیبی تشکیل دهند. طبق این اعلامیه یک کنفرانس انقلابی قدرت قانون - گذاری در کشور متحد را بعهده خواهد داشت. جمهوری دموکراتیک یمن، سازمان آزادیبخش فلسطین، کویت و امارات متحده از تصمیم سران دو کشور سوریه و لیبی در مورد اتحاد پشتیبانی نمودند. مسئله وحدت و اتحاد کشور - های عربی در برابر تجاوز اسرائیل از مسائلی است که در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خلقهای عرب، طی دو دهه اخیر، به اشکال گوناگون از جانب رهبران این کشورها

مطرح گردیده است. جمال - عبدالناصر رئیس جمهور فقید مصر ایجاد و استحکام جبهه متحد خلقهای عرب در برابر سیاست توسعه طلبانه و نواستعماری امپریالیسم آمریکا و سیاست تجاوز کارانه دولت صهیونیستی اسرائیل را مهمترین عامل دفاع از استقلال ملی و دستاوردهای انقلابی در کشورهای عربی - خاورمیانه تلقی مینمود. جمال - عبدالناصر و دیگر رهبران واقع بین کشورهای عربی که در مواضع ضد امپریالیستی خود پیگیری و قطع بودند، بدرستی تشخیص میدادند که در برابر جبهه متحد ارتجاع و امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و در برابر سیاست توسعه طلبانه و تجاوز - کارانه دولت اسرائیل، که مورد حمایت امپریالیسم جهانی و صهیونیسم بین المللی است تنها با ایجاد جبهه متحد کشورهای

مستقل ملی جهان عرب و گسترش و استحکام روابط همه جانبه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه سوسیالیستی که، متحدان طبیعی جنبشهای انقلابی خلقهای جهانند میتوان با موفقیت پایداری نمود و از دستاوردهای انقلاب و استقلال ملی کشور دفاع کرد. رهبران روشن بین جنبشهای انقلابی خلقهای عرب از نخستین تجاوز مسلحانه دول امپریالیستی و اسرائیل، که با حمله نظامی همه جانبه انگلستان و فرانسه و اسرائیل در سال ۱۹۳۵، علیه جمهوری عربی مصر آغاز گردید این واقعت را درک کردند که جنبشهای رهائی بخش و انقلابی ملی و دموکراتیک خلقها، در هر ناحیه‌ای از جهان که باشد، حلقه‌های بهم پیوسته یک روند واحد انقلابی به مقیاس جهانی را تشکیل میدهند که با دشمن مشترک یعنی جبهه متحد ارتجاع

و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا روبرو هستند. آنها به این نتیجه منطقی رسیدند که برای رویارویی با چنین دشمنی علاوه بر وحدت نیروهای انقلابی کشور و اتحاد کشورهای مستقل ملی جهان عرب در جبهه واحد ضد امپریالیستی تدوین و اتخاذ آن چنان سیاستی در زمینه روابط بین المللی نیز ضروریست که روابط کشورهای مستقل ملی جهان عرب را با تمام دول و نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیستی در سطح جهانی که اتحاد شوروی و دیگر کشور - های سوسیالیستی در پیشاپیش آن قرار دارند، گسترش و استحکام بخشد.

تصمیم رهبران دو کشور سوریه و لیبی در مورد اتحاد دو کشور، درست برپایه شناخت همین واقعیات و درک عمیق خطری که از جانب تدارکات جنگی و توطئه‌های سیاسی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم بین المللی در این منطقه استقلال و امنیت کشورهای عضو جبهه پایداری و موجودیت سازمان آزادیبخش فلسطین را تهدید میکند، اتخاذ شده است. اعلام اتحاد سوریه و لیبی در شرایط انجام میگیرد که عملیات تجاوز - کارانه اسرائیل در جنوب لبنان گسترش مییابد و استقلال و امنیت سوریه و لبنان از جانب اسرائیل رژیم خیانت پیشه انور - سادات و امپریالیسم آمریکا در معرض تهدید و خطر تجاوز نظامی قرار دارد. این اتحاد در عین حال که به استحکام وحدت و مؤلفیتهای کشورهای عضو جبهه پایداری از آن جمله، سازمان آزادیبخش فلسطین در برابر تجاوز اسرائیل مساعدت میکند مواضع همه نیروهای ترقیخواه و کشورهای مستقل ملی این منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک افغانستان را در مبارزه

علیه توطئه‌ها و نقشه‌های تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست نشانده آن در منطقه تقویت میکند.

تصمیم رهبران دو کشور سوریه و لیبی مبنی بر وحدت دو کشور در مطبوعات و از جانب مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران با واکنشی مثبت و تأیید آمیز روبرو گردید. ما ضمن تأیید چنین برخوردی بارها روی این مطلب تأکید داشته‌ایم که گسترش و استحکام روابط همه جانبه جمهوری اسلامی ایران با همه کشورهای عضو جبهه پایداری، جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر، سوریه، جمهوری دموکراتیک خلق یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین برای استحکام مواضع همه نیرو - های ترقیخواه و کشورهای مستقل ملی منطقه در مبارزه علیه توطئه‌ها و تدارکات جنگی امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست نشانده آن و در دفاع و پاسداری از دستاوردهای انقلاب و استقلال و امنیت و آزادی خلقهای این منطقه عامل مؤثر و مهمی بشمار میآید.

مرگ بر امپریالیسم جهانخواه آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان

بکار افتادن کارخانه تولید لوله بدون درز - یک موفقیت بزرگ

هفتم مردادماه ۵۹ برای مجموعه کارکنان گروه ملی صنعتی فولاد ایران، بویژه کارگران و کارمندان درخانه تولید لوله بدون درز اهواز، روز بسیار با اهمیتی بود. در این روز بر اثر تلاش خستگی ناپذیر کارگران، تکنیسینها و مهندسين، یک واحد صنعتی و عظیم، که در نوع خود در خاورمیانه یک نظیر است و در جهان تنها دو کارخانه دیگر از آن نوع وجود دارد، آغاز بکار کرد.

این واحد - کارخانه تولید لوله بدون درز است، که محصولات آن، هم از نظر تامین شبکه گازرسانی کشور با لوله، هم بازار داخلی و هم حتی صدور لوله بخارج مورد لزوم جدی است. به علاوه، کارخانه یکی از واحدهای صنایع سنگین و ماشین سازی است، که آغاز بکار آن نشانه دیگری از امکان شورما برای کام برداشتن در جاده صنعتی شدن به معنی واقعی کلمه است.

شادی کارکنان کارخانه در روز افتتاح زایدالوصف بود. اینان حق داشتند از پیروزی خود در برآوردن خط تولیدی، که در نوع خود در دنیا کم نظیر است، به خود بیالند، زیرا کارخانه تولید لوله بدون درز، صرف نظر از مشکلات پیچیده فنی و صنعتی، که اصولاً ایجاد و برآوردن چنین کارخانه مهمی دربر دارد، در شرایطی غیرعادی آغاز بکار کرد. ضد انقلاب و متخصلین آلمان غربی تمام اقدامات و کارشناسی های لازم را برای جلوگیری از بکار افتادن کارخانه بکار برده بودند. ممدک مدیریت و کارکنان کارخانه توانستند، با پشتکار و جسارت انقلابی خود، بر این مشکلات فائق آیند و در مدتی کوتاه کارخانه عظیمی را برآوردند.

در میان کارکنان واحدهای صنعتی اهواز و حتی نفت صحبت اعتصاب و مقاومت جدی در برابر این دستورات از بالا در میان است، که البته به هیچوجه بسود انقلاب نیست. ما ضمن اینکه از کلیه کارکنان واحدهای عظیم صنعتی خواستاریم که هشیاری انقلابی خود را حفظ کنند و به هیچ شکلی به تحصن و اعتصاب در روزهای پراز مظاهره برای موجودیت جمهوری اسلامی راه ندهند، در عین حال با ارتباط با روز کار ۴۴ ساعته و مرخصیهای سالیانه، تذکر نکات زیرین را به مقامات مسئول جمهوری بسیار لازم میدانیم:

نکته اول اینکه، ۴۴ ساعت کار در هفته، حداکثر ساعات کار کارگران است و این قانون باید در کلیه کارگاهها و کارخانهها، که تا همین امروز، روزانه کار ۱۲ تا ۱۶ ساعته و بیشتر در آنها جاریست، به اجرا گذاشته شود. اصولاً باید دانست که دولت ملزم به تعیین حداکثر ساعات کار روزانه است و تخطی از این مرز است که، هم برای سلامت کارگر و هم اصولاً برای سلامت مجموعه جامعه زیان بخش است. آنچه مربوط به حداقل ساعات کار روزانه و هفتگی است، در این مورد دولت تصدی به عهده ندارد و قاعدتاً باید مرز تعیین آن را بسته به نوع کار و میزان سبکی و سنگینی آن، به صلاحیت خود کارگران و کارفرمایان واگذار کند. این امر که دولت فقط وظیفه دارد حداکثر ساعات کار روزانه و هفتگی را تعیین و از تخطی آن با تمام قوا جلوگیری کند، وظیفه‌ای شناخته شده حتی برای دولتهای سرمایه - داری است، که تصدی در دفاع از منافع زحمتکشان ندارند. در جمهوری اسلامی، که طبق قانون دولت موظف به حفظ منافع زحمتکشان است، چگونه مقامات مسئول به خود اجازه میدهند برای حداقل روزانه کار و ساعات کار هفتگی حد و مرز تعیین کنند و در اجرای آن نیز پافشاری نمایند؟ این پافشاری درست برخلاف مفاد و موازین قانون اساسی جمهوری اسلامی است و جرم محسوب میشود. بنابراین حقوقی را که بخشی از کارگران، طی سالیهای طولانی، بر اثر مبارزه به دست آورده و به کسب چهل ساعت کار در هفته نائل آمده‌اند، باید محترم شناخت و ضرورت اقتصادی و اجتماعی آزاد بودن روزانه کار و یا ساعات کار هفتگی از نظر حداقل را باید پذیرفت.

طبیعی است که کارگران واحدهای بزرگ صنعتی، نظیر صنایع ذوب آهن و فولاد و نفت و نظائر آنها، که در رژیم گذشته موفق شده بودند ساعات کار هفتگی خود را به ۴۰ ساعت محدود سازند، در شرایط پراز انقلاب و به منظور شرکت فعال در بازسازی اقتصادی کشور، برای انجام کار اضطراری بیشتر نیز آمادگی دارند. این قشر از کارگران نشان داده‌اند که بهنگام ضرورت، حتی از اینکه تمام ۲۴ ساعت وقت خود را فدای انقلاب و پیروزی آن کنند،

مثلاً همین کارخانه تولید لوله بدون درز و دیگر واحدهای عظیم گروه ملی صنعتی فولاد ایران، از آنجا که شرایط کار مخصوص دارند (کارشان در فضای پراز گرد و غبار و گازهای سمی و آکسیدهای گذرد، حرارت آتشی گداخته در هوای بالای ۵۰ درجه، دست و سرو صورت کارگران را می‌سوزاند و نیروی انسان را، هر اندازه هم قوی باشد، زودتر از وقت بفرسایش می‌برد) باید از مقررات ویژه ساعات کار هفته و مرخصیهای سالیانه برخوردار باشند.

ساعات کار در این قبیل کارخانه‌ها، چنانکه می - دانیم، ۴۰ ساعت کار در هفته است. ولی ضرور بوده است که پس از انقلاب، مرخصیهای سالیانه آنان نیز به حد تصاب بالاتری - حتی بیش از آنچه که بکارمندان داده شده - بالا برده شود. با شناسایی این حقوق برای کارگران صنایع فولاد و همچنین نفت، مسلماً از نظر اقتصادی و بازدهی نیز نتایج بمراتب بهتری از کار کارگران بدست می‌آید.

آنچه گفتن آن ضروری است، اینست که، مقامات مسئول جمهوری، نه فقط با موافقت با ۴۰ ساعت کار هفتگی و مرخصیهای بیشتر به کارگران واحدهای صنایع سنگین موجبات تشویق و ترغیب آنان را در کار فراهم نمی‌آورند، بلکه فقط میتوان گفت از روی ندانم کاری، با تکیه بر مصوبه اخیر ۴۴ ساعت کار در هفته و تأکید بر ۱۲ روز مرخصی سالیانه، به ایجاد نارضایتی در محیط کار دامن می‌زنند. هم اکنون پافشاری مقامات بر تحمیل ۴۴ ساعت کار در هفته که حداکثر ساعات قانونی کار است و باید در تمام کارگاهها و کارخانه‌هایی که بیش از آن کارگران را وادار به کار می‌کنند، به اجرا گذاشته شود، تا جلو استثمار و حشیانه گرفته شود - به کارگران صنایع فولاد و نفت - که ۴۰ ساعت در هفته کار میکنند و همچنین مخالفت آنان با یکسان ساختن مرخصی سالیانه کارگران با کارمندان، موجبات عدم رضایت جدی در میان کارکنان واحدهای بزرگ صنعتی بوجود آورده است. بطوریکه

بجرات میتوان گفت که آغاز کار کارخانه تولید لوله بدون درز اهواز یکی از موفقیت‌های بسیار جدی و شایان توجه دوران انقلاب بشمار میرود. این موفقیت، که چنانکه دیده میشود، تنها موفقیت کارکنان گروه ملی صنعتی فولاد ایران نخواهد بود (هم اکنون مدیریت این گروه سرگرم برآوردن واحدهای صنعتی دیگری بنام کارخانه صنایع فلزی تولید پروفیل است، که بزودی کار خود را آغاز خواهد کرد) بیانگر امکان کشور ما در برداشتن قدمهای جدی در امر صنعتی شدن است، که کلید استقلال اقتصادی ما بشمار میرود. از این جهت میتوان گفت که از جانب گروه ملی صنعتی فولاد ایران، که در مقیاس کشور، کاری بسیار با اهمیت و قابل توجه صورت گرفته است، که شایان همه گونه تشویق و ترغیب است.

پایبخت نمی‌توان ابراز تاسف نکرد که، چنین واقعه‌ای از دید همه رسانه‌های گروهی «مکتوم» مانده و نه فقط روزنامه‌های پرسفحه و کثیرالانتشار، بلکه حتی رادیو و تلویزیون هم فرصت نگردند مردم را با چنین پیروزی مهمی در صحنه کار و صنعت در دوران پس از انقلاب آشنا سازند. حال آنکه، درست یکی از مهمترین وقایع انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، که

ما یقین داریم که برخورد منطقی مقامات مسئول، مخصوصاً وزارت کار، با قبول برابری مرخصی سالیانه کارگران و کارمندان در این مورد گره گشاست، و بسود انقلاب، از ادامه تشنج و تحریک در کارخانه‌ها جلوگیری خواهد کرد.

مسئله کار و کارگری در جمهوری اسلامی ایران، که قانون اساسی آن حافظ منافع زحمتکشان است، با رویه نظام و مبتنی بر حفظ منافع جمع و با تکیه بر شیوه‌های اقناع و منطق، باید به اجرا گذاشته شود. تکیه بر روشهای انضباطی تحمیل اراده به زحمتکشان، که متأسفانه شیوه برخی از مسئولین در برخورد با مسائل کارگری است، فقط می‌تواند تشنج آفرین باشد، که به زیان انقلاب است و باید از آن قویاً اجتناب کرد.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

کودتای امریکائی در ترکیه - تلاش بی سرانجام برای

برون رفت از بحران

هر روز که از کودتای ترکیه میگذرد، ماهیت امپریالیستی-امریکائی آن بیشتر آشکار می-گردد. مقامات دولتی آمریکا و هم-پیمانان اروپای غربی آن خشنودی خود را از پیروزی کودتا ابراز داشته‌اند و قول داده‌اند که از طریق گوناگون به تحکیم حکومت دارو-دسته کنگان اورن کمک کنند.

ضیاءالحق هم، که به «اعتقاد» قطب‌زاده «کاملا وابسته به آمریکا» نیست، بزعم مرید ایرانی خود، «بسی خوشوقت» است، که «انتصاب» کنگان را از سوی ارباب آمریکایی خویش «برایست جمهوری و ریاست شورای امنیت ملی ترکیه صمیمانه تهنیت» گوید!

پس از انقلاب ۲۲ بهمن ایران، که به درهم شکستن یکی از بزرگترین پایگاه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی امپریالیسم آمریکا در منطقه انجامید، و بعد از پیروزی انقلاب دم‌کراتیک افغانستان و تلاش نافرجام آمریکا برای تبدیل افغانستان به «پایگاه جانشین»، ترکیه یکی از مهم‌ترین سنگرها استراتژیک آمریکا و «ناقوس» در خاورمیانه مبدل گشت.

بدین ترتیب، ترکیه در «دکترین کارتر»، که در ۳ بهمن سال پیش، منطقه نفت‌خیز خاورمیانه را بعنوان «حریم منافع ایالات متحده آمریکا!» اعلام داشت و عزم امپریالیسم آمریکا را برای «دفاع» از آن تأکید کرد، مقامی «شامخ» یافت.

توطئه مقابله همه‌جانبه امپریالیسم آمریکا با انقلاب ایران و موضع مهم استراتژیک ترکیه، بویژه همسایگی آن با اتحاد شوروی، کشورهای امپریالیستی را بر آن داشت که به «کمک» همه‌جانبه به ترکیه بپردازند. در این برنامه «کمک» بر نوعی تقسیم «کار» نیز میان امپریالیست‌ها توافق شد. در حالی که آمریکا و ناتو، در درجه نخست، مسئولیت تحکیم نظامی ترکیه را بعهده گرفتند، وظیفه تزیین اقتصادی آن کشور به‌المان غربی واگذار گشت.

چند روز قبل از اعلام صوری «دکترین کارتر»، روزنامه آمریکایی «ایترنل نیشنال هرالد تریبون» (۲۱ دی ۵۸) نوشت که، ترکیه «پایگاه ۳۰ درصد دستگاه‌های الکترونیک ایالات متحده آمریکا علیه اتحاد شوروی» شده است. در تاریخ ۱۰-۹ فروردین، گفتگوهای میان ترکیه

و ایالات متحده آمریکا، پس از یکسال و نیم، با قرارداد نظامی جدید پایان یافت. بموجب این قرارداد پنجساله، پنتاگون اجازه یافت که از چهار دستگاه مراقبت الکترونیک، هفت کانون ارتباطاتی و یک فرودگاه هوایی در ترکیه استفاده جوید. گفته می‌شود که، کنگان اورن، سرکودتای ترکیه، هم در این مذاکرات شرکت داشته است.

تحکیم «کمک» نظامی آمریکا در حالی صورت می‌گیرد که، ترکیه بیش از ده سال متوالی، در حدود یک سوم بودجه خود را به مصارف ارتش و پلیس تخصص می‌دهد. از ۱۳۴۹ تاکنون، اینگونه مصارف از مجموع سرمایه‌گذاریهای دولتی و خصوصی در صنایع تبدیلی متجاوز است. در سال ۱۳۵۵، سهم هزینه‌های تسلیحاتی ترکیه در فرآورده اجتماعی نایزتره آن ۸٫۸ درصد، یعنی ۴٫۲ درصد بیش از میانگین «ناقوس» بود. «کمک» مالی کشورهای امپریالیستی، بدون تردید، گرایش نظامی‌گرایی را در ترکیه شدت خواهد بخشید.

برای نمونه، بموجب مذاکراتی که در اواخر زمستان گذشته میان کسرن گراؤوس - مقامی (آلمان غربی) و مقامات ترکیه انجام پذیرفت، این کسرن تولید تانک‌های «لئوپارد ۱-۳» را، که قبلاً متوقف شده بود، از سر خواهد گرفت و ۷۷ تانک مدل نامبرده را به ترکیه خواهد سپرد. از سوی دیگر، چون تولید تانکهای لئوپارد، تنها هنگامی از نظر اقتصادی «بصرفه» خواهد بود که حداقل ۱۵۰ تانک تولید گردد، بقیه به برتغال و ژنرال‌های «حسود» یونان فروخته خواهد شد.

بدیهی است که چنین بار سنگین تسلیحاتی، بحران اقتصادی ترکیه را نیز هرچه بیشتر دامن می‌زند. در ترکیه سالهاست که بیکاری و تورم بیداد میکند. در حدود ۲۰ درصد زحمتکشان ترکیه، یعنی نزدیک به سه میلیون ترک بیکارند، که دوسوم آنها را جوانان تشکیل می‌دهند. در فاصله بهمن ۱۳۵۷ و بهمن ۱۳۵۸، قیمتها در آن کشور ۲۴۳ درصد افزایش یافت. بنا به گزارش، تنها در منطقه آنکارا نرخ تورم در سال گذشته حداقل صددرصد بوده است. بنوشته روزنامه «جمهوریت» «عدم توازن بازرگانی خارجی کشور به یبانی مرمزین تبدیل شده و از شاخص ۴۰۰ میلیارد دلار در سال پائین نیامده است».

طبق آمار منتشره در ترکیه، مبالغ وام‌های خارجی آن کشور در آغاز سال میلادی جاری به ۱۸ میلیارد دلار رسید.

افلاس اقتصادی ترکیه حامیان امپریالیستی آن کشور را نیز نگران ساخت، چه آنها بخوبی میدیدند که دیگر کاسه صبر زحمتکشان ترکیه لبریز شده است و وضع فلاکت‌بار کنونی ممکنست پیامد های «ناخوشایندی» برای آنها ببارد. هانس ماتهورف، وزیرداری آلمان غربی و هماهنگ‌ساز بین‌المللی «کمک» های کشورهای امپریالیستی، در مصاحبه‌ای با مجله «اشترن» (۱۶ اسفند ۱۳۵۸) گفت:

«کمکهای پولی به ترکیه از نظر منافع امنیتی ما نیز سرمایه‌گذاری خوبی است. البته در این مورد نباید متوقع ضمانتی بود. اما احتمالاً است که از یکسو ۴۸ میلیارد مارک خرج «بوتس‌ور» (ارتش آلمان غربی) بکنیم و از سوی دیگر شاهد آن باشیم که یکی از مهم‌ترین هم-پیمانان نظامی‌مان به افلاس اقتصادی کشیده شود».

هانس ماتهورف، در سفرهای متعددی، که به مراکز مالی اروپا، خاوردرود و خاور نزدیک کرده، توانست برای سال‌جاری میلادی قول ۲ میلیارد

دلار را برای ترکیه بگیرد. از این رقم قرار است، «سازمان توسعه و همکاری اقتصادی» ۱٫۶ میلیارد دلار (آلمان غربی و ایالات متحده هر یک ۲۹۵ میلیون دلار)، «صندوق بین-المللی پول» ۲۷۶ میلیون دلار و «بانک جهانی» در حدود ۵۰۰ میلیون دلار بپردازند. فزون بر این، بگفته دیمیرل، آخرین نخست‌وزیر ترکیه پیش از کودتای کنونی، عربستان سعودی در تاریخ ۱۱ اردیبهشت‌امسال قول داد، که از یک میلیارد دلار کمکی که به ترکیه متعهد شده بود، ۲۵۰ میلیون دلار آنرا نقداً بپردازد. چنانکه روزنامه «زود دوپچه‌تسای تونک» (۳ اسفند ۵۸) اعتراف کرده است، «این کمک‌ها را نباید تنها با معیارهای اقتصادی سنجید» و همتای آن، «فرانکفورتر رندشاو» (۲۴ بهمن ۱۳۵۸) صریحانه‌تر می‌افزاید: «این کمک‌ها را باید تا حد زیاد بعنوان هزینه‌های دفاعی «ناقوس» به حساب آورد».

چنین مینماید که کشورهای عضو «ناقوس»، بویژه آمریکا، به‌این واقعیت وقوف یافته‌اند که نه‌تقویت نظامی ترکیه و نه باصلاح کمک‌های اقتصادی آنها توانست است «ثبات» دلخواه آنها را در ترکیه پدید

رهنمود بزرگ...

بقیه از صفحه ۱ هستند، بجای این، اگر چنانچه بشنیدید سرمدند، با حرف و با فحاشی با هم، مسائل را مغفلانه کنید، این همانست که قدرتهای بزرگ میخواهند تا این مملکت خرابه بماند و صدای مردم بلند درآید. این همانست، شما هم عمال آمریکائیید، منتهی ملتخت نیستید».

امام خمینی نیروی مردم را به درستی عامل اصلی به‌ثمررساندن انقلاب میدانند و برآوردن خواسته‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم را وسیله نیرومندی برای تعمیق انقلاب و عروج شورانقلابی آنان.

امام خمینی به مسئولان هشدار میدهد که اگر به مردم درخواست-هایشان بی‌اعتنا باشید، بی‌آنکه خود بدانید، در راستای خط دشمن عمل کرده‌اید.

امپریالیسم آمریکا میخواهد مصالح سیرده مصالح مردم به فراموشی سپرده شود، زمینه‌های نارضایتی هرچه بیشتر گسترش یابد، هر روز جمعی و هر هفته قشری از مردم به بود و نبود و پیروزی و شکست انقلاب بی‌تفاوت شوند، تا بتواند انقلاب را از برتوان‌ترین دست حمایت‌گر خود، یعنی توده‌های محروم و مستضعف جدا سازد و آنرا بسپولت به قربانگاه برد.

امام خمینی با هشدار تمام ابعاد خطر را می‌بیند، خطری که از وجود تشتت و نفاق در میان مسئولان، انقلاب‌ما، نظام‌جمهوری اسلامی ما، استقلال کشور ما و حاکمیت مردم را تهدید میکند. رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، مسئولان را، که غرقه در بگویم‌گوا، در خطراند که از خطر دشمن اصلی غافل بمانند، هشدار میدهد که: «خارجی‌ها دلشان میخواهد که شما سرورگله هم بنزید و از مصالح مملکت غافل باشید و آنها یک‌وقتی کار خودشان را، ضربه خودشان را بزنند».

امام خمینی با کلامی کوتاه و قاطع میان حکومت طاغوتی و حکومت خلقی، دیواری به‌بلندای کوه میکشد و میگوید: «شماتی که الان به حکومت

آورد. هرچند که در ماه‌های پیش، در ۲۰ استان از مجموع ۶۷ استان ترکیه، حکومت نظامی برقرار بود و راستگرایان افراطی امکان داشتند که آزادانه موج وسیعی از فعالیت‌های تروریستی در سراسر ترکیه برانگیزند.

بنظر میرسد که کودتای اخیر، آخرین تلاش آمریکا و «ناقوس» باشد برای تحمیل «ثبات» سیاسی-مقابله با گسترش جنبش مخالفت و مقاومت توده زحمتکشان ترکیه، پیشبرد سیاست تنش‌فزایی در منطقه و تکمیل محاصره انقلاب‌شکناهی علیه ایران.

اما، چنانچه گیبورسوی ترال، شخصیت سیاسی سرشناس و نماینده سنای ترکیه در یکی از سخنرانی‌های خود در پارلمان ترکیه اظهار داشت: «بگانه راه‌حل نیایدی بحران کنونی کشور عبارتست از آنکه تمام وابستگی‌ها قطع شود و استقلال کامل سیاسی و اقتصادی کشور تأمین گردد. ما باید از سیاست نظامی‌گری در اقتصاد و غضویت در پیمانهای نظامی، از جمله پیمان نظامی «ناقوس» صرف‌نظر کنیم».

کودتاهای «سیا» پرورده، چنانکه تجربه ایران نیز نشان داد، تلاشی است بی‌سرانجام برای برون‌رفت از بحرانهای عمیق همه‌جانبه‌وجلوگیری از پیروزی محتوم خلق ما.

رسیده‌اید، حکومت نیست، خدمتگزار هستید».

و برای انجام وظایف این خدمتگزاری است که امام خمینی از مسئولان وحدت و تفاهم می-خواهد.

وحدت و تفاهم که رهبر انقلاب میخواهد، وحدت و تفاهم است اصولی و انقلابی. تفاهم بر-سر اصول مورد قبول انقلاب و متحدشدن در راه اجرای این اصول، که چیزی جز حفظ استقلال و حاکمیت کشور، تنگ کردن عرصه غارتگری سرمایه، گام-گذاردن در راه محو استثمار و تلاش برای تأمین همه‌جانبه حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مردم نیست.

رسیدن به چنین تفاهم‌اصولی و انقلابی، کار دشواری نیست، بشرط آنکه مسئولان امور روشن کنند که با که هستند و کجا ایستاده‌اند؟ یا مردم در کنار مردم یا با طبقات ممتاز و برای آنها؟

برای تقویت جمهوری اسلامی ایران کار میکنند و یا برای تضعیف آن؟

تردید نیست که ادامه اختلافها و مجادله‌ها در خدمت تضعیف نظام جمهوری خواهد بود، که خواست امپریالیسم، سرگردگی امپریالیسم آمریکا است.

به رسمت سراسر کشور، ما به کار و کار و کار نیازمندیم. تمام عرصه‌های اقتصاد کشور باید بازسازی و نوسازی شود، که به برنامهریزی دقیق علمی، عملی و میلیونها بازوی فعال نیازمند است.

توجه به این مسائل اساسی انقلاب در واقع وقت و فرصت باقی نمی-گذارد که صرف مسائل جنبی و فرعی و غیر عمده و بی‌بوده شود. امام خمینی بدرستی میگوید: «با صلح بروید سراغ مردم، دیگر دعوا پیش نیاید، بلکه وقت دعوا نیماند، اما افسوس اینست که شما مشغول دعوا هستید و از مردم غافل».

امام خمینی از سر درد توصیه میکند: «با هم باید برادر باشید، برابر باشید و برای این مملکت کار بکنید و در راس برنامه‌تان برای این بیچاره‌ها، این مستضعفین».

امید که رهنمود امام خمینی، راهنمای مسئولان باشد.

هشدار بکارگران...

بقیه از صفحه ۱ در تمام کارگاهها و کارخانه‌ها در سطح کشور به ۴۴ ساعت وجود ۴۰ ساعت کار در هفته در رشته-هائی مانند صنعت نفت، ذوب آهن، فولاد، معادن و نظایر آنها، هیچ تناقص و مغایرتی وجود ندارد. درحالیکه حداکثر ساعات کار هفتگی باید محدود به ۴۴ ساعت باشد و در هیچ موردی از آن عدول نشود، حداقل ساعات کار روزانه و هفتگی می‌تواند متغیر و در ارتباط با سختی و آسانی و شرایط جوی کارنوسان داشته باشد - چهل ساعت در هفته و حتی کمتر از آن باشد.

مشافه مسئله‌ای بدین روشنی - بعلمت عدم درک صحیح آن- سبب شده است که موجدجات درگیری شدیدی در بین کارکنان صنایع نفت و مقامات مسئول دولتی بوجود آورد. درحالیکه کارکنان صنایع نفت در برخورداری از ۴۰ ساعت کار در هفته نینچانند، مقامات دولتی اصرار به اجرای ساعات کار ۴۴ ساعته و حتی بیشتر درباره کارکنان این صنایع دارند، که بر خورده‌صحتی نیست. فشارمقامات مسئول به کارکنان صنایع نفت بر پایه همین برخورد نادرست، که بنظر ما ناشی از عدم درک دقیق مسائل کارگری است، خطر جدی تحمیل و اغتصاب رادر خوزستان دامن می‌زند، که ما وظیفه خود میدانیم خیلی جدی نسبت به آن بهر دوطرف درگیر هشدار دهیم.

قبل از همه ما به کارگران و کارمندان آگاه و هوشیار صنایع نفت هشدار می‌دهیم که توجه داشته باشند طرح‌خواست عادلانه آنها در برخورداری از کار هفتگی ۴۰ ساعته مورد سوء-استفاده ضدانقلاب و عناصر محرک قرار نگیرد. ضمن اینکه کارکنان صنایع نفت در دفاع از ۴۰ ساعت کار در هفته محققانند، باید با تمام قوا از انتخاب روش-هائی نظیر تحمیل و اغتصاب در شرایط کنونی خودداری کنند و تنها روش اقامی را در آثبات حق خود به مقامات دولتی درپیش گیرند. کارکنان صنایع نفت خود بخوبی میدانند و لازم توضیح نیست که در شرایط کنونی اوضاع و احوال کشور، هنگامی که امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده آن سرگرم توطئه جدی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند، اقدام آنها به تحمیل و اغتصاب و لواپیکه حق بجانب آنان باشد، می‌تواند به قیمت بسیار سنگینی برای انقلاب تمام شود. بهین جهت به هیچوجه و تحت هیچ عنوانی نمی‌توان به اتخاذ چنین شیوه‌هائی در حل مسائل فیما بین کارگران و دولت انقلابی مبادرت ورزید. ما یقین داریم که پروتاریزهای آگاه صنعت نفت ایران با تجربیات غنی و طولانی که در مبارزه علیه امپریالیسم غدار و ضدانقلاب افواگر دارد، اهمیت توصیه ما را عمیقاً درک می‌کند و محققاً لزادادن هر نوع بهانه‌ای بدشمن، برای ایجاد تشنج و اختلال، آنهم دروضع خوزستان، اجتناب خواهد کرد.

سپس هشدار ما به مقامات مسئول دولت انقلاب و جمهوری اسلامی است. ما از این مقامات خواستاریم که به مسائل کارگری با درک عمیق و کامل نسبت به آن برخورد کنند. در جمهوری اسلامی ایران، کهه طرفدار مستضعفان است، باید

پایه کارگران و کارمندان صنایع نفت و خدمات را در اولویت قرار دهیم. با این کارگران و کارمندان صنایع نفت و خدمات، که از هفته کار ۴۰ ساعته استفاده می‌کرده‌اند، در صورت ضرورت برای انجام کار بیش از این ساعات نیز، در شرایط انقلابی امروز، آمادگی دارند. کارگران و کارمندان صنایع نفت و رشته‌های نظیر آماده‌اند تا در صورت احتیاج، تمام شبانه‌روز و بدون خستگی بکار بپردازند.

اما این آمادگی و داوطلبی باید با آنگاه به ضرورت انقلابی مورد استفاده قرار گیرد، نه اینکه به بهانه‌ای برای تحمیل نظر این یا آن مقام به کارگران و کارمندان بدل شود، که نتیجه آن در درونی است و صحنه‌های درجه‌بندی انقلاب است و فقط می‌تواند بسود ضدانقلاب و توطئه‌های آن باشد.

با توجه به مراتب اخیر، توصیه ما به مقامات مسئول وزارت کار، وزارت نفت، استانداری خوزستان و سایر مقامات اینست که، در برخورد با مسائل کارگری، با درک عمیق و آگاهی به جوانب اجتماعی-سیاسی این مسائل، آنهم در این برهه از زمان بسیار حساس برای انقلاب عمل کنند. این مقامات باید از اقداماتی که کارگران و کارمندان را به عکس‌العمل در دفاع از دستاوردهای خود در زمینه بهبود شرایط کار و زندگی وامیدارد، کاملاً پرهیز کنند و بویژه با تکیه به اصل ابراز حسن نیت و اعتماد به طبقه کارگر عمل کنند، زیرا که این طبقه وفادارترین و پایدارترین طبقه حافظ انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است.

در خاتمه متذکر می‌شود که حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر کشور ما، تمام نیروهای خود را در جهت حل و فصل صحیح مسائل کارگری درجه‌باز-چوب منافع توده‌ها و رعایت مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بکار برده و می‌برد. ما اطمینان داریم، که طبقه کارگر ایران، منجمله کارگران خوزستان، سخن صادقانه ما را با جان و دل بپذیرا خواهند بود و بخاطر انقلاب، در حل مسائل کار و زندگی خود شکیبایی خواهند داشت.

ما بنوبه خود انتظار داریم که مقامات دولت انقلاب نیز نسبت به تحقق خواسته‌های زحمتکشان روشی داشته باشند که به اعتماد بیشتر کارگران و کارمندان به انقلاب و جمهوری اسلامی بیانجامد و آنان را بیش از پیش در سنگر مبارزه علیه امپریالیسم، بسه سرگردگی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده آن پایرجا و استوار باقی نگاه دارد.

پوشش

با کمال تأسف در شماره دیروز نامه «مردم» در صفحه اول، در فرست مطالب، از مقاله «وحدت

در کشور سوریه و لیبی... یاد شده، ولی خود مقاله چاپ نشده است. بدینوسیله پوشش می‌طلبیم.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دکتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 334
16 September 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.